

# کنکاشی در ریخت‌شناسی بازار ایرانی با رویکرد نظریه‌های فضایی شهر

موارد مطالعاتی: بازار شیراز و کرمان<sup>۱</sup>

آزاده لک<sup>۲</sup>

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

## پانته‌آ حکیمیان<sup>۳</sup>

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

کلیدواژگان: بازار ایرانی، نظریه‌های فضایی شهر، نظریه توده-فضا، نظریه پیوند فضایی، نظریه مکان.

### چکیده

بازار به مثابه قلب شهر ایرانی نه تنها نمود ابعاد اجتماعی-فرهنگی-اقتصادی شهر؛ بلکه مهم‌ترین فضای شهری و بستر استخوان‌بندی شهر ایرانی است. در دهه‌های اخیر توسعه‌های نسنجیده و زوال بافت مرکزی شهرها حیات کالبدی، اقتصادی، و اجتماعی بازارها را نیز دچار نقصان کرده است که مهم‌ترین چالش بازآفرینی شهری به‌شمار می‌آید.

در این پژوهش، با هدف احیای مهم‌ترین عنصر استخوان‌بندی فضایی-ادراکی شهر تاریخی، به منظور بازآفرینی شهری، باب مطالعات عمیق‌تر ریخت‌شناسی بازار ایرانی با مطالعه بازار شیراز و کرمان گشوده می‌شود. در این مطالعه با روش کیفی و به صورت توصیفی-تحلیلی در گام نخست با داده‌های منتج از مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهده نقشه‌ها، بازار شیراز و کرمان را بر اساس نظریه‌های فضایی شهر ترانسیک (۱۹۸۶) تحلیل و سپس در گام دوم با مصاحبه عمیق با ده تن از ساکنان شیرازی و یازده تن از ساکنان کرمانی، با انتخاب به روش گلوله برفی، معنای بازار را با تکنیک

«تحلیل محتوا» استخراج می‌شود.

نتایج نشان می‌دهد که بازار ایرانی در نظریه توده-فضا به مثابه یک «فضای شهری سخت» دارای الگوی سازمان‌دهی محوری و زاویه‌دار است که در شهر به مثابه یک بلوک درشت شهری، همراه با فضاهای باز هندسی، درون خود مانند آرما تور شهری عمل می‌کند. در نظریه پیوند فضایی نیز بازار به مثابه «فرم گروهی» و «مگافرم» شناخته می‌شود که مهم‌ترین بستر ارتباطی شهر قدیم را مفصل‌بندی کند. در نظریه مکان نیز بازار مهم‌ترین عنصر تاریخی و نشانه‌ای برای ساکنان شهرهای تاریخی است که فرم کالبدی منحصر به فرد، مصالح و سبک معماری و ماوای فعالیت‌های خریدوفروش و کانون گردشگری شهری دارد. نتایج این پژوهش می‌تواند به راهکارهای طراحی برای طراحان و برنامه‌ریزان در بازآفرینی شهری منجر شود.

### مقدمه

بازار یکی از عینی‌ترین نمودهای معماری و شهرسازی سنتی ایران است که ستون فقرات و قلب تپنده شهر شناخته می‌شود که علاوه بر فعالیت اقتصادی، نقش اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، مذهبی،

۱. این مقاله برگرفته از طرح‌های پژوهشی نگارندگان در مرکز اسناد دانشکده معماری و شهرسازی با عنوان «چارچوب مستندسازی بازار تاریخی شیراز با تأکید بر اسناد موجود در مرکز اسناد دانشکده معماری و شهرسازی» و «چارچوب مستندسازی بازار تاریخی کرمان با تأکید بر اسناد موجود در مرکز اسناد دانشکده معماری و شهرسازی» است.

۲. نویسنده مسئول  
a\_lak@sbu.ac.ir

### پرسش تحقیق

نظم بازار ایرانی بر اساس نظریه‌های فضایی شهر ترانسیک چگونه تبیین می‌شود؟

سیاسی، خدماتی، و تفریحی نیز داشته است<sup>۴</sup>. با توجه به موقعیت بازار در شهر ایرانی و پدیده فرسودگی بافت‌های تاریخی، باززنده‌سازی بازار و بافت‌های تاریخی مرکزی شهرها اهمیت ویژه‌ای یافته است. یکی از راهکارهای مهم در باززنده‌سازی شهر «طراحی استخوان‌بندی اصلی»<sup>۵</sup> آن است. چرا که استخوان‌بندی اصلی شهر در رشد و آینده شهر تأثیرگذار است و اهمیت بازار را در مقاطع بعدی رشد شهر تضمین می‌کند. سازمان‌دهی و باززنده‌سازی استخوان‌بندی شهر به احیای شهر از درون منجر می‌شود که حفاظت فعال شهر را به لحاظ فرهنگی و عملکردی در پی دارد. به علاوه، استخوان‌بندی اصلی شهر، چنانچه با شاخه‌های فرعی تر خود، که در دل بخش‌ها و محلات شهر نفوذ می‌کند، تقویت و پشتیبانی شود، بر دامنه کارکردی آن از فرهنگی تا اقتصادی اضافه می‌شود و نقش عملکردی و فضایی آن به منصفه ظهور می‌رسد و بر حیات و فعالیت جوامع انسانی تأثیر مورد انتظار را می‌گذارد.<sup>۶</sup>

یکی از موارد مهم کاربرد طراحی استخوان‌بندی اصلی شهر در احیا و باززنده‌سازی بازار و بافت قدیم شهر است و ساختار اصلی شهر بر استخوان‌بندی بافت قدیم متکی است. کاربرد فوق از آن رو اهمیت دارد که اثر تاریخی تنها در فضای زندگی داخلی خود رشد نمی‌کند؛ بلکه هم از زندگی‌اش و هم از روابط وسیعی که در فضای مکانی و زمانی با سایر یادمان‌ها و با همه بناهای مهم شهر برقرار می‌کند متأثر است. در روش احیا و باززنده‌سازی بافت‌های قدیم، به مدد احیای استخوان‌بندی اصلی شهر، اقدامات احیای بافت قدیم می‌تواند با رشد و توسعه بقیه شهر پیوند یابد. این احیا با حفظ وحدت و یکپارچگی عناصر سازمان فضایی بافت همراه با حفظ کارایی و تداوم با تاریخ شهر صورت می‌پذیرد. این امر متضمن شناخت و تحلیل استخوان‌بندی شهر در سطح کلان است. اهمیت این امر در حیات تازه بخشیدن به بازار ایرانی است که در سال‌های اخیر هم از لحاظ کالبدی و هم عملکردی دچار زوال شده است.<sup>۷</sup>

در این پژوهش به دنبال بررسی ریخت‌شناسانه بازار، یعنی همان استخوان‌بندی شهر تاریخی ایرانی، از نظریه‌های فضایی شهر راجر ترانسیک (نظریه‌های توده-فضا، پیوند فضایی و مکان) بهره برده شده است تا، علاوه بر تحلیل کالبدی، با شناخت دقیق‌تر ابعاد ادراکی فضایی بازار ایرانی، امکان مؤثرتر باززنده‌سازی شهرهای تاریخی ایران فراهم آید. به بیان دیگر این

3. p\_hakimian@sbu.ac.ir

۴. نک: کیومرث ایراندوست و آرمان بهمنی اورامانی، «تحولات بازارهای سنتی در شهرهای ایران»؛ محمدرضا پورجعفر و علی پورجعفر، «نقش سرمایه اجتماعی در وضعیت اقتصادی بازارهای سنتی در ایران».

5. Main Structure

۶. نک: ملیحه حمیدی و دیگران،

استخوان‌بندی شهر تهران.

۷. نک: همان.

پژوهش به سؤال زیر پاسخ داده می‌شود:

«نظم بازار ایرانی بر اساس نظریه‌های فضایی شهر ترانسیک چگونه تبیین می‌شود؟»

## ۱. مبانی نظری پژوهش

### ۱.۱. بازار ایرانی

نقش بازار در سازمان فضایی شهر ایرانی- اسلامی موضوع بسیاری از پژوهش‌های متأخر بوده است. این شهرها معمولاً شهرهایی با ساختاری ارگانیک و بدون نظم و قاعده، با معابری پر پیچ‌وخم، بدون فضاهای شهری شکل‌یافته و طراحی‌شده و فاقد هندسه معرفی شده‌اند. این مطالعات نشان می‌دهند که مجموعه بازار همانند ستون فقراتی دیرین درون بافت ارگانیک شهر ریشه دوانده است و ساختار اصلی شهر را بر اساس گسترش انشعابات فرعی بازار در امتداد راسته‌های اصلی تا دروازه‌های شهر بسط داده است.

مطالعه مکان جغرافیایی بازار در شهرهای اسلامی- شرقی نشان‌دهنده این واقعیت است که بازار، محور خاص جغرافیایی و راه اصلی است و ارتباط با نقاط مهم شهری را ممکن می‌کند.<sup>۸</sup> به‌علاوه، بازارهای سنتی در کنار اهمیت اقتصادی (به مثابه قلب و هسته اقتصادی شهر) از نقش فعال اجتماعی نیز برخوردار بوده‌اند و در بسیاری از شهرها هم‌جواری عناصر شاخص مذهبی و فرهنگی با بافت بازار اهمیت خاصی به نقش بازار در سازمان فضایی شهر بخشیده است. از این رو بازار به صورت هم‌زمان محور مهم ارتباطی- اقتصادی- فرهنگی شهر همراه با نقش و منزلت اجتماعی- سیاسی- حکومتی در حیات اجتماعی شهر است.<sup>۹</sup>

در نظام شهرهای سنتی ایران، بازارها یا به صورت ارگانیک یا برنامه‌ریزی‌شده در اتصال دروازه‌های اصلی ورودی به شهر شکل یافته‌اند و معمولاً در مرکز شهرها واقع شده‌اند، طرح آن‌ها عمدتاً به شکل خطی بودند و فضاهای عمومی و

اجتماعی و فرهنگی از طریق این فرم خطی ایجاد می‌شدند.<sup>۱۰</sup> بازارهای ارگانیک توسعه‌یافته به نیازهای اقتصادی شهر در طی قرن‌ها تکیه می‌کردند. بعضی بازارها به سمت ساختمان‌های بزرگ عمومی شهر مانند مسجد جامع، عناصر حکومتی و فرهنگی- آموزشی جهت‌گیری می‌کردند. اگر بازار در طول زمان گسترش یافته بود، به طور منظم، ساختار خطی اصلی و منظم به‌آرامی و ماهرانه با خواسته‌های هر دوره تاریخی منطبق می‌شد. بازارهای برنامه‌ریزی‌شده به شکل محور اصلی شهر در نظر گرفته می‌شدند که معمولاً در طول دوره رشد اقتصادی و رفاه ساخته می‌شدند. علاوه بر این، بازار همیشه محور اصلی بافت شهری و اتصال‌دهنده دو ورودی اصلی شهر تعریف می‌شد.<sup>۱۱</sup> ساختار بازار از مجموعه‌ای از مغازه‌ها و حجره‌ها تشکیل یافته است که با معبر سرپوشیده و کاروان‌سراها، تیمچه‌ها، سراها، و شترخانه‌ها بافت خاصی را شکل داده‌اند. علاوه بر این، در جوار این مجموعه، اماکن عمومی مانند حمام، تکیه، مدرسه، مسجد، سقاخانه، زورخانه، و قهوه‌خانه بوده است که میان عناصر و اجزای مجموعه‌ای رابطه‌ای نسبتاً ثابت و پابرجایی است که «ساخت» بازار نامیده می‌شود. از این رو ساخت دو وجه دارد: یکی عناصر تشکیل‌دهنده ساختار بازار و دیگری روابط بین عناصر.<sup>۱۲</sup> بدین ترتیب ساختار بازار نیز شامل اجزای تشکیل‌دهنده آن (عناصر کالبدی) و روابط بین این اجزا با یکدیگر (سیمای کالبدی) است، این عناصر به شکل عناصر اولیه و ثانویه در بخش‌های مختلف زندگی و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، مذهبی، و سیاسی جواب‌گوی نیازمندی‌های مردم است.<sup>۱۳</sup>

عباسی و همکاران چگونگی توسعه بازار اصلی در شهرهای ایرانی را این‌گونه طبقه‌بندی می‌کنند: در دسته اول در حالت کلی چگونگی توسعه بازار به طور کامل با نحوه توسعه شهر مرتبط بوده است و بازار در راستای جاده‌های اصلی منتهی به شهر گسترش یافته است. بازار در امتداد مهم‌ترین راه که هسته نخستین بازار در آن شکل‌گرفته بود و به تدریج و متناسب با

۸. نک: سیروس شفق، «نقش بازار در ساختار شهر اسلامی»، ص ۳.

۹. نک: حسین سلطان‌زاده، «برخی از خصوصیات شهرسازی و معماری بازارهای ایران»: اسفندیار بیگلری، «بازارهای ایران».

۱۰. نک:

Azadeh Arjomand Kermani & Eric Luiten, "Preservation and Transformation of Historic Urban Cores in Iran, the Case of Kerman".

۱۱. نک:

Mir Saeed Moosavi, "Bazaar and its Role in the Development of Iranian Traditional Cities"

۱۲. محمود توسلی، اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران، ص ۱۲۵.

۱۳. اسفندیار بیگلری، «بازارهای ایران»، ص ۹؛ دریا نصرت‌پور و دیگران، «مقایسه تطبیقی بازارهای ایرانی و بازارهای کشورهای اسلامی، نمونه موردی: بازار یزد در ایران و بازار استانبول در ترکیه»، ص ۱۳۰.

نیازهای بازرگانی و تولیدی در بستر زمانی رشد یافته است. دسته دوم مربوط به مواردی است که پیرامون یک شهر حصار ساخته می‌شد و شهر در بیرون از حصار گسترش نمی‌یافت. توسعه بازار به چند صورت انجام شده است. در حالت نخست بازار ابتدا در دو سوی راه اصلی از دروازه شروع می‌شد و تا دروازه دیگر گسترش می‌یافته؛ است. این گسترش خطی گاه در امتداد راسته اصلی دیگری که ممکن بود به صورت متقاطع نسبت به راسته اول قرار داشته باشد تداوم می‌یافت. در دسته سوم در برخی شهرها که امکان توسعه خطی بازار محدود بود، گسترش بازار در راسته‌ای کمابیش موازی راسته اصلی صورت می‌پذیرفت و راسته‌های متقاطع شکلی شطرنجی به بازار می‌دادند. بازار تبریز و بازار قزوین نمونه‌هایی از این توسعه به‌شمار می‌آیند. اما درنهایت در بازار ایرانی به منزله ستون فقرات شهر بسیاری از عملکردها جای گرفته و جایگاه تعاملات اجتماعی، تجارت، و امور مذهبی تجاری و خدماتی بوده است. بر این اساس بازار که یکی از مهم‌ترین فضاهای شهری در شهر ایرانی است، عوامل مؤثر بر استقرار فعالیت‌ها در آن جاذبه کشش راسته‌های تخصصی امنیت، ارزش اقتصادی کالاها، و همگرایی فعالیت‌های سازگار و واگرایی فعالیت‌های ناسازگار بوده است.<sup>۱۴</sup>

### ۲.۱. نظریه‌های فضایی شهر

راجر ترانسیک از اندیشمندان فضاهای شهری قرن بیستم، فضای شهری را حاصل هنر ارتباط می‌داند.<sup>۱۵</sup> او پس از تقسیم‌بندی فضاهای شهری به دو دسته عمده سخت‌فضا و نرم‌فضا، اصطلاح سخت‌فضا را شامل فضاهایی می‌داند که کاملاً با بدنه‌های معماری محصور شده‌اند. این فضاها محل گردهمایی‌ها و مکان فعالیت‌های اجتماعی شهر است. در ادامه نرم‌فضاها را فضاهایی می‌داند که محیط و عناصر طبیعی در شکل دادن به آن‌ها غلبه دارند. باغ‌ها و پارک‌ها را می‌توان

در این تقسیم‌بندی قرار داد. درنهایت او برای شناخت دقیق فضاهای شهری و عرضه طراحی منسجم‌تر و امکان درک کاربری زمان از سه نظریه توده-فضا، ارتباط، و مکان بهره جسته است. نظر به امکان تحلیل بازار ایرانی به مثابه «فضای سخت شهری منسجم» و استخراج اصول حاکم بر آن می‌توان از این سه نظریه (ت ۱) بهره جست که در ادامه به آن‌ها پرداخته شده است.

### ۱.۲.۱. نظریه توده-فضا<sup>۱۶</sup>

راجر ترانسیک در بیان نظریه‌های طراحی شهری خود ابتدا به معرفی تئوری توده-فضا می‌پردازد. به زعم ترانسیک توده-فضا بر اساس نسبت میان سطح اشغال‌شده ساختمان‌ها به مثابه توده<sup>۱۷</sup> پر<sup>۱۸</sup> به فضای خالی<sup>۱۸</sup> شکل می‌گیرد. هر محیط شهری بر اساس الگویی از ترکیب‌بندی میان فضای پر و خالی تعریف می‌شود که می‌تواند به شناسایی ساختار آن محیط در طراحی فضایی کمک کند. او «نقشه توده-فضا» را انتزاعی دوبعدی از محیط شهری در پلان می‌داند که ابزار گرافیکی لازم به آشکارسازی روابط میان فضای پر و خالی را در دسترس قرار می‌دهد.<sup>۱۹</sup> استفاده از نقشه و ابزار «توده-فضا» در علوم طراحی سابقه طولانی دارد و طراح در آن به دنبال شناخت و نمایش اثر ردپای ساختمان‌ها و الگوهای فضای ساخته‌شده در فضای شهری است. هبرت معتقد است که نقشه توده-فضا با فروکاست ابعادی مانند توپوگرافی، زیرساخت‌ها، و ابعاد کیفی محیط را با تمرکز بر پلان و فرم ساختمان‌ها و ساختار ساخته‌شده و رابطه توده-فضا-بافت‌های شهری به تصویر می‌کشد و توده شهر را برای بیننده به صورت توأمان خوانا و ناخوانا می‌کند که درنهایت برای شکل دادن به زمینه شهر در یک تصویر خوانا به کار می‌رود.<sup>۲۰</sup> او به کارگیری این تکنیک در شهرهای در معرض چالش توسعه شهری و نیازمند بازآفرینی شهری را، با ایجاد سکانس‌بندی مناسب توده-فضا، در تشخیص فضاهایی شهری

۱۴. زهرا عباسی و دیگران، «تدوین اصول و معیارهای ادراک فضایی در معماری بازارهای سنتی»، ص ۳۰۶. نک:

Roger Trancik, *Finding Lost Space*.  
16. Figure-ground  
17. Figure  
18. ground  
19. Ibid, p. 97.

۲۰. نک:

Michael Hebbert, "Figure-ground: History and Practice of a Planning Technique".

ت ۱ (بالا). گونه‌بندی بافت شهری، مأخذ: Roger Trancik, *Finding Lost Space*.  
ت ۲ (پایین). گونه‌بندی فضاهای پر و خالی، مأخذ: Trancik, ibid.

### ۱. ۲. ۲. نظریه پیوند فضایی<sup>۲۹</sup>

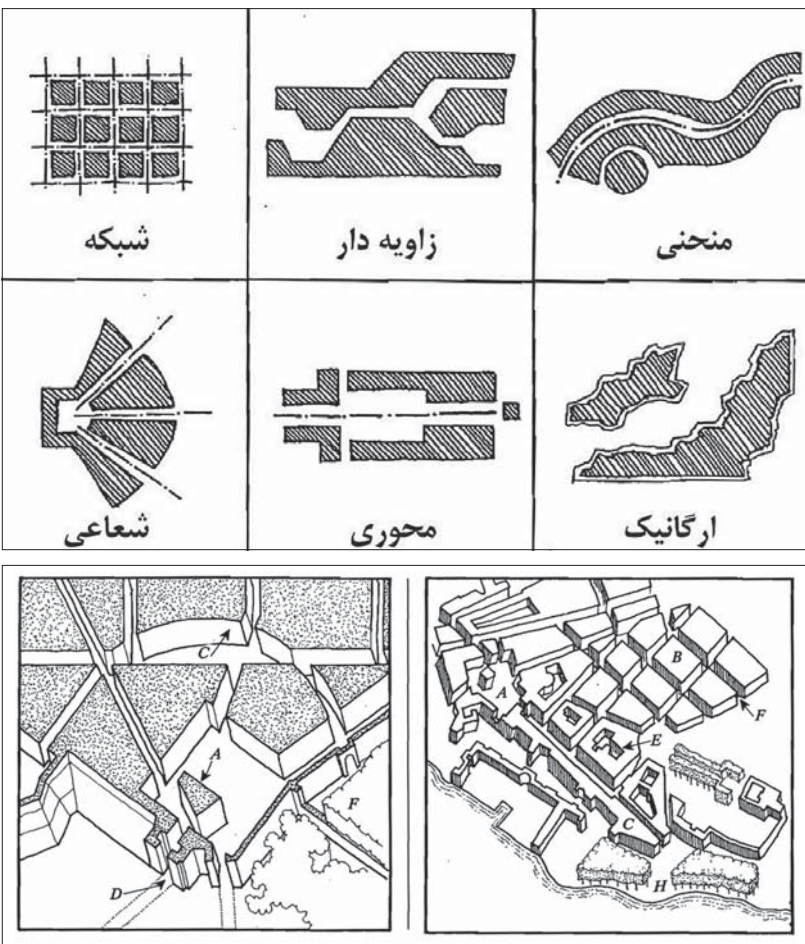
راجر ترانسیک نظریه پیوند فضایی را به مثابه ابزاری برمی‌شمارد که، برخلاف تکنیک توده-فضا، سیستمی از روابط یا شبکه‌ها را در بافت شهری سازمان‌دهی می‌کند و بر این اساس به ساختاری در نظم‌بخشی فضاها و بافت می‌رسد.<sup>۳۰</sup> عناصر ارتباطی در بافت شهری همانند خیابان‌ها، پیاده‌روها، و فضاهای شهری

کارآمد می‌داند. به این ترتیب که می‌توان موقعیت فضاهای مهم در فضاهای رهاشده<sup>۳۱</sup> در مجموعه‌های بزرگ‌مقیاس را با هندسه فضا و تحلیل بافت موجود برجسته‌نمایی کرد و درنهایت به کمک تحلیل ریخت‌شناسی شهری نقش مهمی در بازآفرینی شهری ایفا کرد.<sup>۳۲</sup>

فضاهای پر: بناهای عمومی یادمانی (A)، بلوک‌های شهری که توده قالب شهر را می‌سازند (B)، توده‌های ساختمانی که بعدها نماهای شهری را تعریف می‌کنند (C)، فضاهای خالی: راهروها و دالان‌های ورودی (D)، فضاهای باز داخل بلوک‌ها و حیاط‌ها (E)، خیابان‌ها و میدان‌ها (F)، فضاهای پارک‌ها و باغ‌ها (G) و درنهایت فضاهای باز خطی مانند رودخانه‌ها (H)

ترانسیک با استفاده از تحلیل توده-فضا شش الگوی گونه‌بندی بافت شهری را شامل شبکه<sup>۳۳</sup>، زاویه‌دار<sup>۳۴</sup>، منحنی<sup>۳۵</sup>، شعاعی<sup>۳۶</sup>، محوری<sup>۳۷</sup> و ارگانیک (ت ۱) معرفی می‌کند که در مورد شکل و جانمایی ساختمان‌ها، طراحی اجزای سایت (الگوی پوشش گیاهی و دیوارها) و کانال‌های حرکت و دسترسی رابطه با توده و فضا را شکل می‌دهند و امکان تحلیل ریخت‌شناسی با مطالعه ساختار فضایی و فرم شهری را با استفاده از تکنیک‌های کیفی فراهم می‌آورند.<sup>۳۸</sup>

ترانسیک با توجه به رابطه توده و فضا طبقه‌بندی‌ای از فضاهای پر و فضاهای خالی در بافت شهری معرفی می‌کند. فضاهای پر این سه هستند: بناهای عمومی یادمانی (A)، بلوک‌های شهری که توده قالب شهر را می‌سازند (B)، توده‌های ساختمانی که بعدها نماهای شهری را تعریف می‌کنند (C). درنهایت ترانسیک ۵ نوع فضای باز را نیز گونه‌بندی می‌کند: راهروها و دالان‌های ورودی (D)، فضاهای باز داخل بلوک‌ها و حیاط‌ها (E)، خیابان‌ها و میدان‌ها (F)، فضاهای پارک‌ها و باغ‌ها (G) و درنهایت فضاهای باز خطی مانند رودخانه‌ها (H) که در «ت ۲» مشاهده می‌شود.



21. Abundant space
22. Ibid, p. 723.
23. Grid
24. angular
25. curvilinear
26. Radial concentric
27. axial

۲۸. نک:

- P. Gauthier & J. Gilliland, "Mapping Urban Morphology: A Classification Scheme for Interpreting Contributions to the Study of Urban Form"; Mustafa Rasit Sahin, *Analysis of Urban Morphology in Squatter Transformation Areas*.
29. linkage
  30. Trancik, *ibid*, p. 97.

ت ۳. انواع پیوند فضایی در شهر، مأخذ:  
Fumihiko Maki, *Investigations in Collective Form*.

خطی یا کانال‌های رفت‌وآمد هستند که قسمت‌های مختلف شهر را به هم می‌دوزند و با نقش اتصالی و ارتباطی فضاهای شهری عملکرد سیرکولاسیون شهری را دارند. این نظریه شامل سازمان‌دهی مسیرهایی است که، با عنوان آرماتورهای شهری، بخش‌های مختلف شهر را از طریق این خطوط به ساختمان‌ها و فضاها مرتبط می‌شود.

ترانسیک با الهام از کتاب ماکي<sup>۳۱</sup> سه گونه پیوند فضایی-کالبدی را در ساختار شهرها برمی‌شمرد (ت ۳):

- فرم ترکیب‌بندی شده<sup>۳۲</sup>، ترکیب تجزیه ساختمان‌های منفرد روی پلان دوبعدی.

- مگافرم<sup>۳۳</sup>، ساختار خطی سلسله‌مراتبی یا سیستم بازی که عناصر را به هم می‌دوزد.

- فرم گروهی<sup>۳۴</sup>، انباشت تجمع تدریجی ساختمان‌ها حول یک آرماتور از فضاهای باز عمومی.<sup>۳۵</sup>

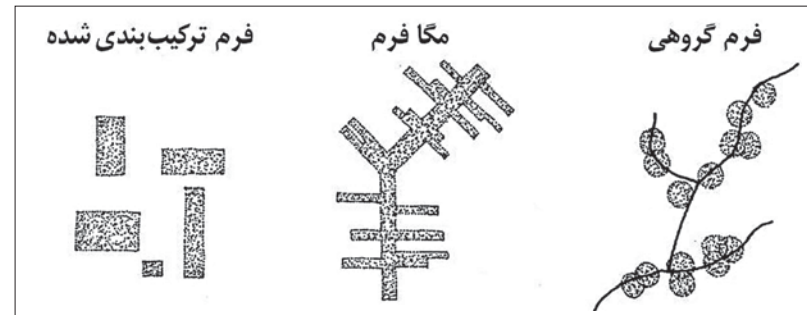
ماکی فرم ترکیبی را شامل ساختمان‌های منفردی می‌داند که در الگوی انتزاعی روی پلان دوبعدی استقرار یافته‌اند. به دلیل ثابت بودن اجزای نظریه پیوند فضایی، در این الگو بعد شکل‌دهنده محیط نسبت به فضای باز به مثابه ارتباط با ساختمان‌ها مورد توجه نیست. «مگافرم» به اجزای شهری منفردی اطلاق می‌شود که در چارچوبی بزرگ‌تر و سلسله‌مراتبی، بن باز با سیستم ارتباط درونی الصاق می‌شوند. مگافرم در ذات خود به ایجاد ساختاری منظم در بافت‌های

شهری تبدیل می‌شود که به زعم ماکي امکان تبدیل شدن به یک زیرساخت شهری را فراهم می‌آورد. درنهایت ماکي «فرم گروهی» را به مثابه تجمع تدریجی از اجزا و عناصر شهری در فضا می‌داند که در طول یک ساختار و آرماتور، که ویژگی اصلی آن‌ها سازمان‌دهی فضایی شهرها است، شکل گرفته‌اند. در فرم گروهی برخلاف «مگافرم» فرم ساختار تحمیل نمی‌شود؛ بلکه شکل ارتباط زمینه‌ای هم‌پیوند برای تولید آرماتوری را فراهم می‌کند که نقش پیونددهنده و ارتباط‌دهنده عناصر شهری را دارند. هر سه گونه پیوند فضایی، امکان ایده کنترل‌کننده و انتظام‌بخش ساختمان‌ها و فضاها در بافت شهری را فراهم می‌کنند تا بافتی منسجم شکل گیرد<sup>۳۶</sup>.

### ۱. ۲. ۳. نظریه مکان<sup>۳۷</sup>

نظریه مکان، در گام‌های بعدی تحلیل دوبعدی، ماهیت پیچیده ادراک و نیاز انسانی را در بر می‌گیرد که امکان الصاق معنا همراه با نیازهای انسانی به زمینه طبیعی، تاریخی و فرهنگی بافت‌های شهری را فراهم می‌آورد.<sup>۳۸</sup> سرشت نظریه مکان تبلور ویژگی فرهنگی-انسانی فضای کالبدی است. اطلاق واژه مکان از طریق انضمامی شدن معنای زمینه‌ای برگرفته از محتوای فرهنگی-منطقه‌ای شهر است. از این منظر هر مکان منحصر به فرد است و باید متناسب با شاخص زمینه و محیط پیرامون ساخته شود. علاوه بر ارزش‌های اجتماعی در نظریه مکان ادراکات بصری استفاده‌کنندگان و چگونگی استفاده و کاربرد فضاهای عمومی هم اهمیت می‌یابد. بنا بر این کشف تاریخ محلی تأمین نیازهای مردم، تبلور سنت در صنایع دستی و مصالح بومی، همراه با معماری بومی و بازنمایی واقعیت‌های اقتصادی-سیاسی جامعه محلی نیز می‌تواند به شکل‌گیری مکان کمک کند<sup>۳۹</sup>.

درنهایت می‌توان، بر اساس نظریه‌های فضایی شهر راجر ترانسیک، در مقیاس کلان در تحلیل کیفی ریخت‌شناسی



مشاهده رفتار و واکنش‌های شرکت‌کنندگان نیز بهره برده شده است. مهم‌ترین سؤالات مطرح‌شده مربوط به معنا، خاطرات و ویژگی‌های شاخص بازار برای مشارکت‌کنندگان پژوهش بوده است.

## ۱.۲. انتخاب مکان پژوهش

مطالعات نشان می‌دهد که بازارهای ایرانی از ابعاد مختلف قابل طبقه‌بندی هستند؛ مانند شکل کالبدی بازار، مقیاس بازار، جایگاه و نقش بازار و مکان جغرافیایی بازار، تاریخ ساخت بازار، و عناصر مهم کالبدی بازار:

– ریخت‌شناسی کالبدی بازار: از نظر ریخت‌شناسی ساختار و شکل، بازارها را می‌توان به گونه‌های تک‌محوری (خطی یا طولی)، چندمحوری، صلیبی (مقاطع)، و منظومه‌ای تقسیم‌بندی کرد: الف) بازار خطی (مانند بازار تهران، شیراز، کرمان) که در این میان بازار شیراز و کرمان به اراده قدرت حاکم در بستر زمانی مشترک به صورت خطی طراحی شده‌اند. ب) بازار چندمحوری شامل شبکه‌ای از راسته‌های موازی (مانند بازار تهران و اصفهان). پ) بازار مرکزی مجموعه بزرگ از راسته‌ها که با کمربندی احاطه شده‌اند (مانند بازار قزوین و رشت). ت) بازار صلیبی بر اساس دو محور متقاطع (مانند بازار اراک).<sup>۳۲</sup>

– مقیاس بازار: بازارهای ایرانی را می‌توان به بازارهای شهری و روستایی طبقه‌بندی کرد. از سوی دیگر، تفاوت ماهوی میان بازار شهرهایی که زمانی پایتخت ایران بوده‌اند مانند اصفهان، تهران، و قزوین با مراکز حکومتی مهم مانند شیراز، کرمان، یزد، و کاشان هست.

– جایگاه بازار: متناسب با موقعیت‌های ژئوپلیتیک و استراتژیک بازار شهرهای ایرانی حول قرارگیری در مسیر جاده ابریشم و ادویه، شهرهای ایران که در مسیر جاده ابریشم هستند، مانند بازار یزد، شیراز، اصفهان، و کاشان به همراه بازارهایی که در مسیر بازار ادویه بوده‌اند، مانند بازار کرمان و بوشهر.

شهری در نظریه توده-فضا، رابطه فضای پر-خالی و الگوی سازمان‌دهی بافت‌های شهری را بررسی کرد. در نظریه پیوند فضایی ساختار اصلی میان عناصر مهم بافت شهری و ارتباط آن‌ها با هم را در قالب ساختار فضایی شهر سنجید و در نهایت در نظریه مکان، علاوه بر مکان‌های مهم و نیازهای زندگی استفاده‌کنندگان فضا، می‌توان بعد ملموس فضاها را در قالب شکل به مصالح، سبک‌شناسی، رنگ، بافت، و بعد ناملموس فضا در ابعاد تاریخی-فرهنگی-اجتماعی و حتی حیات اقتصادی مکان‌ها بررسی کرد.

## ۲. روش‌شناسی پژوهش

هدف این پژوهش بررسی ریخت‌شناسانه نوینی از ساختار فضایی بازار ایرانی با رویکرد نظریه ترانسیک است و مبنای توصیفی-تحلیلی دارد. داده‌های مورد استفاده در بخش اول پژوهش از روش اسنادی و به شیوه‌های مختلف از جمله مراجعه به کتب، مجلات، پروژه‌های تحقیقی، نقشه‌ها، و جستجوی اینترنتی حاصل شده است. به‌علاوه با روش مشاهده<sup>۳۰</sup>، نقشه‌های پایه موجود از بازارهای کرمان و شیراز با عنوان موردپژوهی بازار ایرانی در مطالعات میدانی، بر اساس سه نظریه توده-فضا، پیوند فضایی و مکان تحلیل شده و اصول حاکم بر آن‌ها استخراج شده است.

در گام دوم، روش «تحلیل محتوا»، اساس تحلیل مصاحبه عمیق مشارکت‌کنندگان در برداشت معنای مکان بازار بوده است. در این پژوهش با استفاده از روش گلوله برفی<sup>۳۱</sup>، ده نفر در بازار شیراز و یازده نفر مشارکت‌کننده در بازار کرمان مصاحبه شده‌اند که از بین آن‌ها هشت نفر از کسبه بازار و بقیه از رهگذران و مراجعان قدیمی بازار بودند. زمان انجام مصاحبه ۳۰ تا ۴۵ دقیقه بوده و مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری داده‌ها ادامه یافته است. همچنین شیوه گردآوری داده‌ها به طور عمده مصاحبه عمیق بوده است که در این بین از روش‌های

۳۱. نک:

Fumihiko Maki,  
Investigations in Collective  
Form.

32. Compositional Form  
33. Mega form  
34. Group Form

۳۵. نک:

Roger Trancik, *Finding Lost  
Space*.

۳۶. نک:

Fumihiko Maki, *ibid*.  
37. Place theory  
38. Trancik, *ibid*, p. 112.  
39. *ibid*, p. 115-116.  
40. Observation  
41. Snowball Sampling

۳۲. پرویز ورجاوند، بنیاد داتره  
المعارف اسلامی، دانشنامه جهان  
اسلام، ج ۳، ص ۲۳۸.

- موقعیت جغرافیایی بازار: قرارگیری بازار در مناطق مختلف اقلیمی ایران و پهنه‌بندی آمایش سرزمینی ایران نیز می‌تواند باعث تفاوت‌های کالبدی در ساختار بازار ایرانی شود. در این میان بازارهای مناطق گرم و خشک مانند اصفهان، یزد، کاشان، شیراز، و کرمان تفاوت ماهوی با بازارهای تبریز و قزوین دارند. - تاریخ ساخت غالب بازار: از عوامل دیگری که در طبقه‌بندی بازارهای ایرانی اثرگذارند تاریخ ساخت مشترک بازارهای ایرانی و تغییرات سبکی معماری در ساخت این بازارها است، به‌طور مثال معماری حاکم بر بازار اصفهان صفوی و بازار شیراز و کرمان اسلوب معماری زندیه دارند. بازار کاشان به دلیل وقوع زلزله در زمان قاجاریه بازسازی شده است. بازار یزد نیز سبقت دوره قاجار دارد.<sup>۴۳</sup>

- عناصر مهم کالبدی بازار: از عناصر مهم بازارها می‌توان به قیصریه‌ها اشاره کرد. بازارهای قیصریه در بازارهای اصفهان، شیراز، کرمان، قزوین، و یزد از عوامل هویت کالبدی بازار این شهرها محسوب می‌شود.

۴۳. نک: حمیدی و دیگران، همان، ج ۱.  
۴۴. نک: احمد پوراحمد، جغرافیا و ساخت شهر کرمان.  
۴۵. نک: همان.

ت ۴. انتخاب بازار بر اساس خصوصیات بازار ایرانی، مأخذ: با استناد به دانشنامه جهان اسلام، ج ۳، ص ۲۳۸.

بر حسب عوامل یادشده، بازارهای شیراز، کرمان، یزد، و کاشان امکان تحلیل مشترک می‌یابند (ت ۴). در این میان به دلیل تفاوت‌های ماهوی بازار شیراز و کرمان، بر اساس عواملی که بدان پرداخته شد، نظر به دیدگاه جامع در درک کیفیت‌های فضایی شهر، بر اساس نظریه‌های فضایی شهر ترانسیک، دو بازار شیراز و کرمان موردهای مطالعاتی این تحقیق انتخاب شده‌اند تا اصول حاکم بر تحلیل این بازارها در مقیاس کلان استخراج شود.

## ۲.۲. موارد مطالعاتی

### ۲.۲.۱. بازار کرمان

بازار کرمان از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری شهر قدیم و به مثابه ستون فقرات آن محسوب می‌شد. این بازار واقع در مرکز شهر با فعالیت‌های وسیع تجاری خود در سطح منطقه عمل می‌کرده است و متشکل از کاروان‌سراهایی بوده که همگی در دو راستای عمود بر هم شمالی- جنوبی و شرقی- غربی جای گرفته‌اند. این دو راسته از چهار جهت به راه‌های عمده تجاری شهر یا منطقه ختم می‌شده‌اند. در وضعیت فعلی هم ساختار شهر در محدوده قلعه قدیمی همچنان از راسته بازار متأثر است و محلات شهر نیز از طریق یک سری شبکه‌های ارتباطی، که بافتی نسبتاً شطرنجی را تشکیل می‌دهند، به بازار مرتبط می‌شوند<sup>۴۴</sup> (ت ۵). راسته بازار شرقی- غربی بازار اصلی شهر محسوب می‌شود. این بازار به شکل خط مستقیمی است که در دو سوی آن دو دروازه ورودی و خروجی شهر یعنی دروازه ارگ و دروازه مسجد بودند. طول این بازار حدود سه کیلومتر است و شهر را دقیقاً به دو بخش تقسیم می‌کند. قدیمی‌ترین قسمت بازار از مقابل مسجد جامع شروع می‌شود که در حال حاضر روباز است و به بازار مظفری مشهور است.<sup>۴۵</sup>

بازارهای شمالی- جنوبی بخش دوم بازارهای کرمان به‌شمار می‌آیند که با حدود ۱۵۰۰ متر طول از بخش‌های

		بازار کاشان	بازار یزد	بازار شیراز	بازار کرمان
۱	نقشه بازار				
۲	ریخت‌شناسی کالبدی	خطی	مرکزی	خطی	خطی
۳	مقیاس بازار	شهری	شهری	شهری	شهری
۴	جایگاه بازار	قرارگیری در جاده ابریشم	قرارگیری در جاده ابریشم	قرارگیری در جاده ابریشم	قرارگیری در جاده ادویه
۵	موقعیت جغرافیایی بازار	مرکز ایران، گرم و خشک	مرکز ایران، گرم و خشک	مرکز ایران، گرم و معتدل	مرکز ایران، گرم و خشک
۶	تاریخ ساخت غالب بازار	قاجاری	قاجاری	زندیه	زندیه



مجموعه قبه سبز در شمال شهر قدیم کرمان و در کنار جادهٔ هرمز-خراسان احداث می‌گردد. از این زمان به بعد برای توسعهٔ شهر تغییر می‌یابد و به سمت شمال میل می‌کند. در این دوره است که اولین هسته‌های بازار شمالی-جنوبی در مسیر جادهٔ فوق شکل می‌گیرد<sup>۴۷</sup> (ت ۶).

دوم، قرن یازدهم هجری: در ابتدای قرن یازدهم هجری در کنار بازار جدید کرمان (بازار شرقی-غربی) مجموعه گنجعلی‌خان احداث گردید. احداث این مجموعه در کنار بازار مؤید اهمیت یافتن آن بود<sup>۴۸</sup> (ت ۷).

سوم، دورهٔ قاجار: در این دوره تفویض نقش دو بازار قدیمی و جدید شدت بیشتری می‌گیرد یا به بیان دیگر روزبه‌روز از اهمیت بازار شمالی-جنوبی کاسته و نقش بازار شرقی-غربی پررنگ‌تر

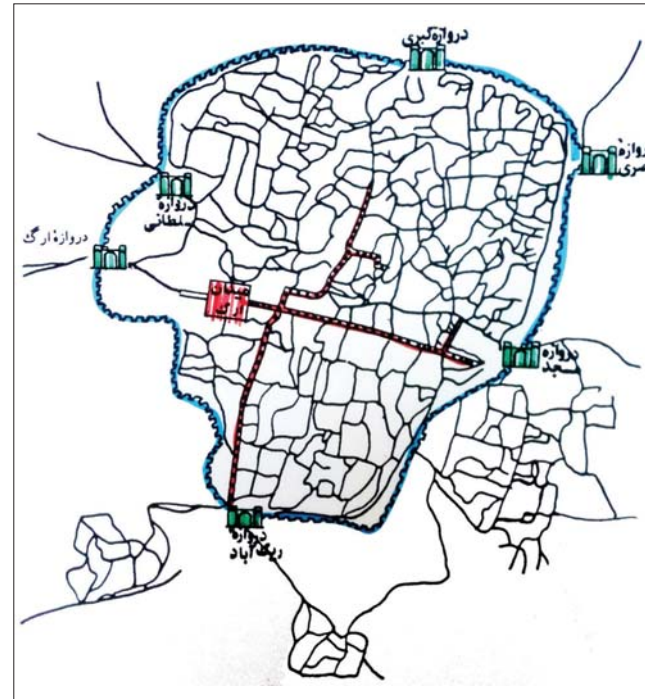
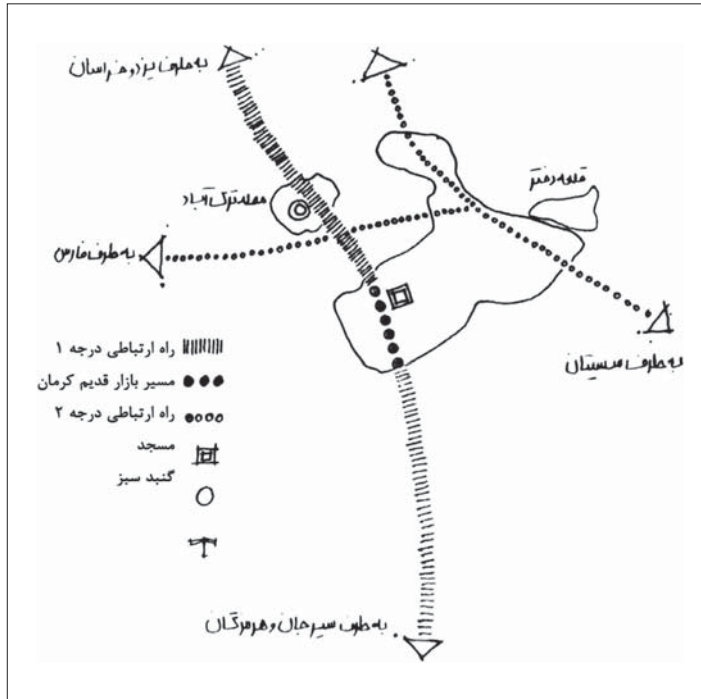
مختلفی تشکیل شده‌اند و عناصر کالبدی فراوانی در مسیر آن جای گرفته‌اند. این راستهٔ بازار از بازار قلعه محمود آغاز و به بازار عزیز ختم می‌شود و نسبت به بازارهای شرقی-غربی رونق کمتری دارد؛ اما تعداد زیادی کاروان‌سرا در طول آن هستند. بازار مسگری از زیباترین بازارهای شمالی-جنوبی محسوب می‌شده است.<sup>۴۶</sup>

از مهم‌ترین اجزای بازار کرمان می‌توان مسجد جامع مظفری، مجموعه گنجعلی‌خان، سرای چهارسوق، سرای صالح نظر، سرای میرزاحسین‌خان، مجموعه ابراهیم‌خان، مجموعه وکیل، و مجموعه حاج‌آقاعلی را نام برد. شکل‌گیری بازار کرمان در سه مرحله صورت گرفته است:

اول، قرن‌های هفتم و هشتم هجری: در قرن هفتم هجری

ت ۵ (راست). موقعیت بازار و بافت قدیم کرمان قبل از تخریب حصار، مأخذ: باستانی پاریزی، گنجعلی‌خان.

ت ۶ (چپ). موقعیت شهر قدیم کرمان و بازار آن در قرن هشتم هجری، مأخذ (با تصرف): ملیحه حمیدی و دیگران، استخوان‌بندی شهر تهران.



۴۶. نک: نگار چنگیزی و رضا احمدیان، «بررسی شاخص‌های هویت فضای شهری در بافت تاریخی، نمونه موردی: بازار کرمان». ۴۷. نک: محمدابراهیم باستانی پاریزی، گنجعلی‌خان. ۴۸. نک: همان.

ت ۷ (راست). موقعیت شهر قدیم کرمان و بازار آن در اواخر قرن یازدهم هجری، مأخذ (با تصرف): همان. ت ۸ (چپ). موقعیت شهر قدیم کرمان و بازار آن در دوره قاجار، مأخذ (با تصرف): همان.

می‌شود. استقرار مجموعه گنجعلی‌خان در غرب و مسجد جامع مظفری در شرق این بازار، در نقش دو قطب شهری شاخص در ابتدا و انتهای آن، بر اهمیت این بازار جدید می‌افزاید. البته احداث مجموعه‌هایی مانند ابراهیم‌خان و حاج‌آقاعلی در امتداد بازار قدیمی بیانگر این است که هنوز مسیر شمالی-جنوبی اهمیت اقتصادی خود را تا حدی حفظ کرده است<sup>۴۹</sup> (ت ۸).

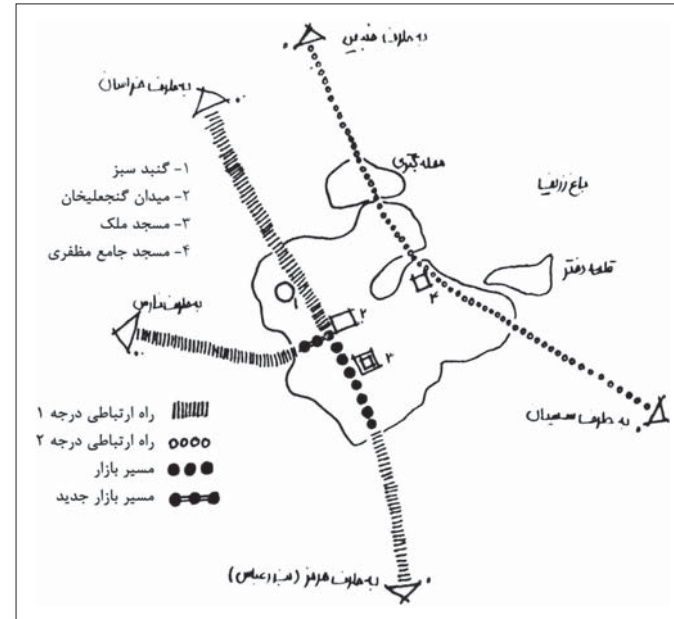
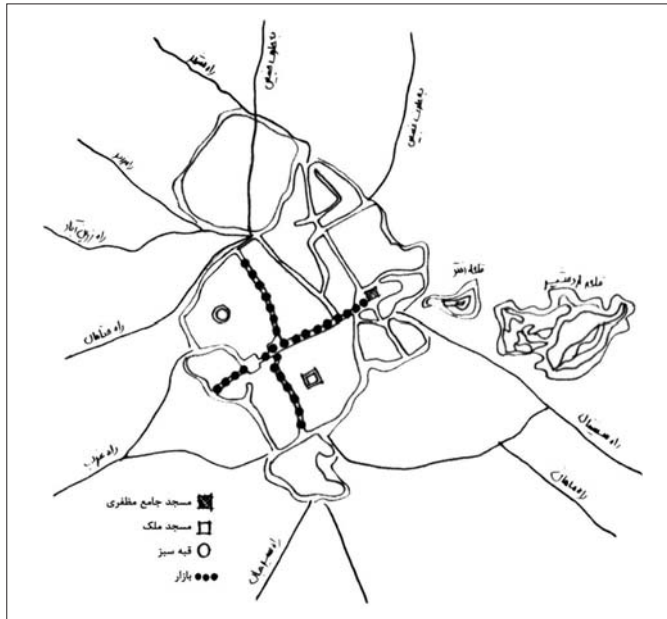
در دوره معاصر با احداث خیابان‌های جدید به موازات و یا عمود بر راسته بازار انسجام و پیوستگی آن تا حد زیادی از بین رود. از این دوره به بعد بسیاری از ابنیه و تأسیسات شهری بازار عملکرد خود را از دست دادند و بر حسب نیازمندی‌های امروزی، یا عملکرد جدیدی یافتند و یا به متروکه و مخروبه‌ای بدل شده‌اند. به طور مثال تقریباً غیر از مساجد و تکایای قدیمی که همچنان عملکرد پیشین خود را حفظ کرده‌اند، کلیه ابنیه تاریخی، یعنی همه کاروان‌سراها، سراها، تیمچه‌ها، و بسیاری از

مدارس و حمام‌ها یا مخروبه و متروکه شده‌اند و یا اینکه به انبار کالاها، موزه، و چایخانه تغییر عملکرد داده‌اند.<sup>۵۰</sup>

### ۲.۲.۲. بازار شیراز

به دلیل موقعیت جغرافیایی و اقتصادی ویژه شهر شیراز از نظر نزدیکی به آب‌های گرم و واقع شدن در مسیر بازرگانی و همچنین اهمیت‌های نظامی و سیاسی آن، بازار مشخصه اصلی شهر در جریان توسعه شهری محسوب می‌شد و نه تنها به منزله اصلی‌ترین معبر شهر کارکرد ارتباطی داشت؛ بلکه با ظرفیت بالای اقتصادی خود، فضای مناسبی برای جذب مازاد محصولات کشاورزی با نیروی کار دیوانی به‌شمار می‌آمد.<sup>۵۱</sup>

بازار شهر ابتدا در کنار فضای باز میانی بنا شد و با رونق بازرگانی و صنعت در دوره ساسانیان، به بازار دائمی تبدیل شد. دروازه اصفهان، که عنصری بااهمیت در مبادله تجاری در



مذهبی- مردمی در شهر و فضاهای حکومتی فاصله‌ای ایجاد می‌کردند، محور قنات عضدی را که از زیر قصر عضدالدوله تا زیر مسجد جامع ادامه می‌یافت، حفظ و اقدام به ایجاد محور دیگری موازی با آن و در راستای مقابر سیدمیراحمد و سیدمیرمحمد کردند. بین الحرمین این امامزادگان در محور مزبور بازارچه‌های سرخوس آقا و بازار سر چهارراه احداث شد. به جز این بازارچه‌ها چهار بازار دیگر در حوالی بقعه شیخ روزبهان در کنار مسجد و مدرسه شکل گرفتند (ت ۱۰).<sup>۵۴</sup>

سوم، دوره صفویه: در دوره صفویه ساختار شهر بر محور جدیدی که به موازات محورهای آل‌بویه و اتابکان فارس بود و از مدرسه خان آغاز و از طریق بازار قیصریه و بازار داوودخان به میدان شاه ختم می‌شد، مستقر گردید. بعدها بازار مسگران روی بازار داوودخان احداث شد. بازار قیصریه که اکنون ناحیه‌ای در بازار مسگران را بدان نام می‌خوانند، در ادامه بازار داوودخان قرار می‌گرفت (ت ۱۱).<sup>۵۵</sup>

چهارم، دوره زندیه: در این دوره بازار وکیل در ادامه بازار حاجی ساخته شد و چون ستون فقرات شهر عناصر عمده شهری را به هم متصل می‌کرد. این بازار در حد فاصل بین دو قطب

شمال بود، منجر به توسعه بازار در این جهت شد. با تأسیس حکومت‌های ملی- مذهبی در ایران و سلطه خلفای عباسی، عناصر دیگری مانند مسجد نیز در کنار بازار شکل گرفتند و بر رونق آن افزودند. به طور مثال در دوره صفاریان عمرو بن لیث، با ساختن مسجد جامع در کنار بازار قدیم، رونق بیشتری به آن بخشید.<sup>۵۲</sup>

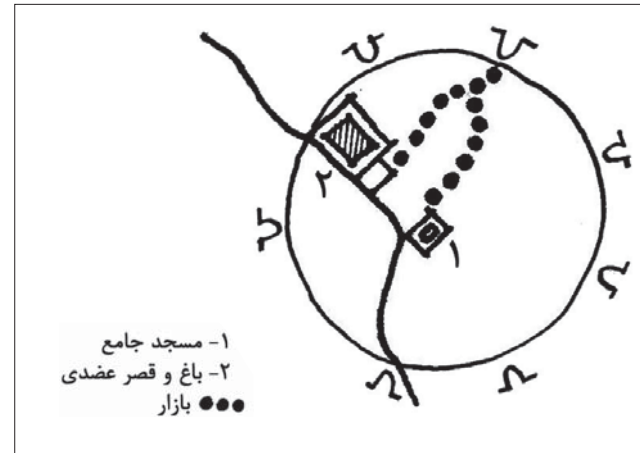
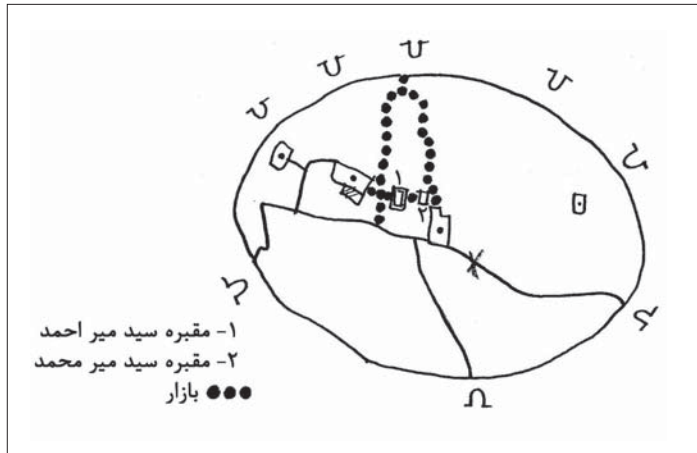
به طور کلی سیر تحول مجموعه بازار در شهر شیراز را می‌توان در شش دوره دسته‌بندی کرد:

دوره اول، دوره آل بویه: در این دوره در مسیر معابر اصلی شهر که از طریق دروازه اصطخر (دروازه اصفهان) به دو شهر مرتبط هستند، به تدریج بازارها و خدمات شهری شکل گرفتند و ساختار شهر پدید آمد. رعایت فاصله بین محدوده حکومتی و مرکز مذهبی علت اصلی دوشاخه شدن بازار بود. بازار عمده شهر از درب شمالی مسجد جمعه (مهم‌ترین مسجد شهر) شروع و به راسته‌های مختلف مانند راسته بزازان و کباب‌پزان تقسیم می‌شده است.<sup>۵۳</sup> (ت ۹).

دوم، دوره اتابکان: اتابکان علاوه بر محور دروازه اصطخر و بازار شهر که به صورت دوشاخه بین فضاهای با عملکرد

۴۹. نک: همان  
 ۵۰. نک: محمدابراهیم باستانی پاریزی، همان.  
 ۵۱. نک: حمیدی و دیگران، همان.  
 ۵۲. نک: همان  
 ۵۳. نک: محمدیوسف کیانی، نظری اجمالی به شهرسازی و شهرنشینی در ایران.  
 ۵۴. نک: کرامت‌الله افسر، تاریخ بافت قدیمی شیراز.  
 ۵۵. نک: همان.

ت ۹ (راست). جهت و موقعیت بازار شیراز در دوره آل‌بویه، مأخذ (با تصرف): افسر، کرامت‌الله. تاریخ بافت قدیمی شیراز.  
 ت ۱۰ (چپ). جهت و موقعیت بازار شیراز در دوره اتابکان (مأخذ (با تصرف): همان.



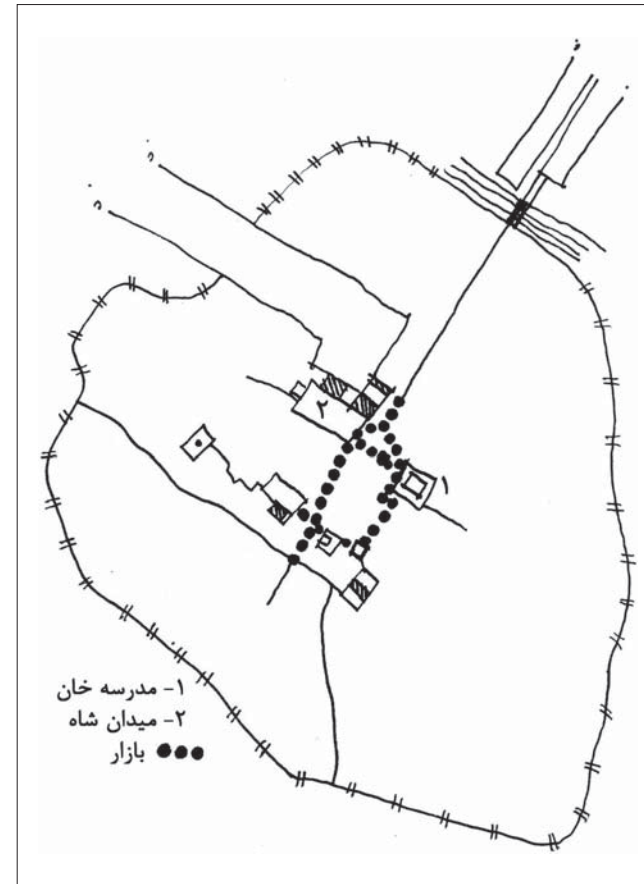
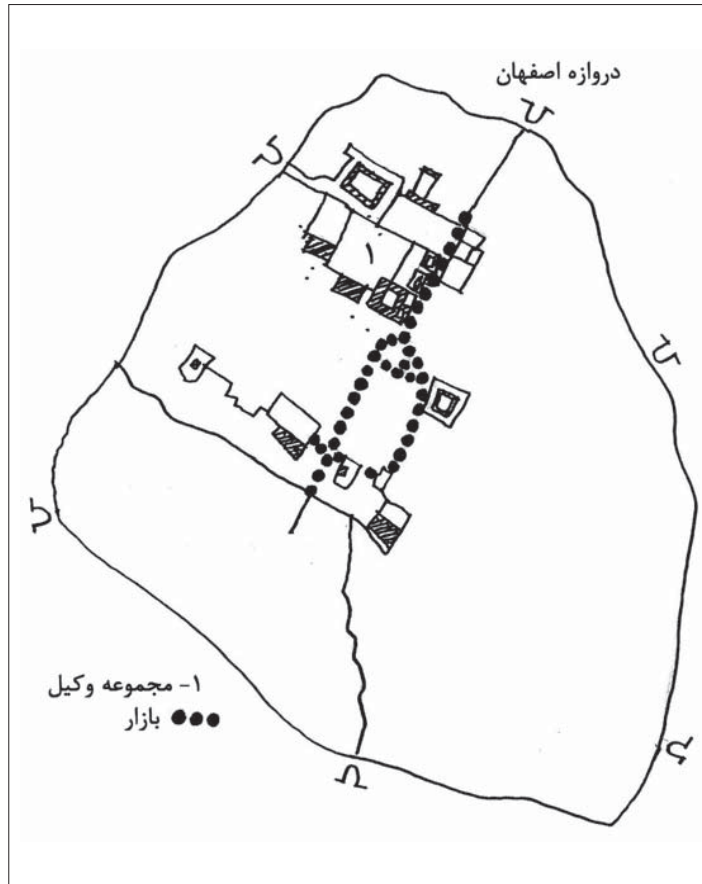
۵۶. نک: همان.

ت ۱۱ (راست). جهت و موقعیت بازار شیراز در دوره صفویه (مأخذ (با تصرف): همان.  
ت ۱۲ (چپ). جهت و موقعیت بازار شیراز در دوره زندیه (مأخذ (با تصرف): همان.

فضاهای مذهبی مورد استفاده مردم و ابنیه حکومتی می‌بود و در ادامه آن کاروان‌سراهای بسیاری ایجاد شد. بخش حکومتی فضای مذهبی (مسجد وکیل)، بازار (بازار وکیل)، و حمام و آب‌انبار خاص خود را داشت (ت ۱۲).<sup>۵۶</sup>

پنجم، دوره قاجار: در سال ۱۲۲۴ به دستور میرزا یوسف اشرفی مازندرانی، در ادامه بازار وکیل، به طرف دروازه اصفهان، بازار میرزا یوسفی احداث شد که بعدها به نام بازار نو شناخته شد (ت ۱۳).<sup>۵۷</sup> ششم، دوره معاصر: با احداث خیابان‌های جدید و ایجاد

شبکه‌بندی روی گذرهای تاریخی گذشته، که از نظر ارتباط شرق به غرب شهر واجد اهمیت بودند، انسجام بافت قدیم شهر از بین رفت و بازار در دو قسمت گسسته شد. خیابان کریم‌خان زند در قسمت بازار نو و لطفعلی‌خان در قسمت بازار قدیم احداث شدند که ارتباط منظم بازار را از بین بردند. به این ترتیب بخش‌هایی از بازار درون محله‌ها فرو رفت و کارکرد شهری خود را از دست داد. علاوه بر این به دلیل محدودیت‌های کالبدی و اقتصادی بازار در عرضه کالا و خدمات جدید، از اهمیت پیشین آن کاسته



ت ۱۳ (راست). جهت و موقعیت بازار شیراز در دوره قاجار (مأخذ با تصرف): همان.  
 ت ۱۴ (چپ). جهت و موقعیت بازار شیراز در دوره معاصر، مأخذ: نگارندگان.

ساختار ارتباطی شهر را به صورت خطی شکل داده است که با وجود هسته‌های قوی فعلیتی در راستای آن به منزله محور توسعه و ارتباط‌دهنده عناصر مهم شهری، الگوی خطی- هسته‌ای دارد. بازار در اتصال دروازه‌های مهم ورود کالا شکل گرفته است و به بخش حکومتی در زمان شکل‌گیری و بخش مذهبی در مرکز شهر و عقب شهر (شاهچراغ و مسجد عتیق) منتهی می‌شده است.

### ۳.۱.۱. تحلیل توده- فضای بازار شیراز

بررسی بازار شیراز به مثابه فضای توده<sup>۵۸</sup> نشان می‌دهد که در شهرهای ایرانی بازار به مثابه «فضای پر طراحی‌شده» و بلوکی

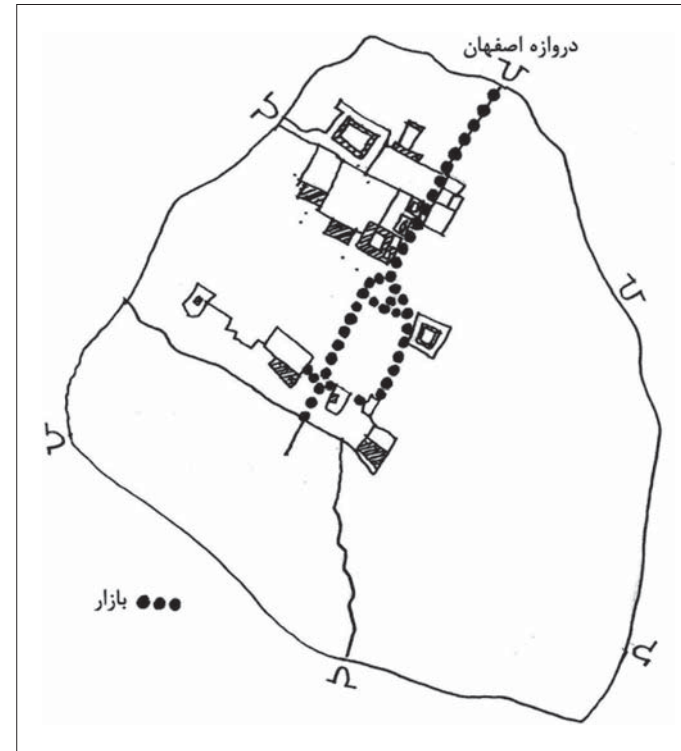
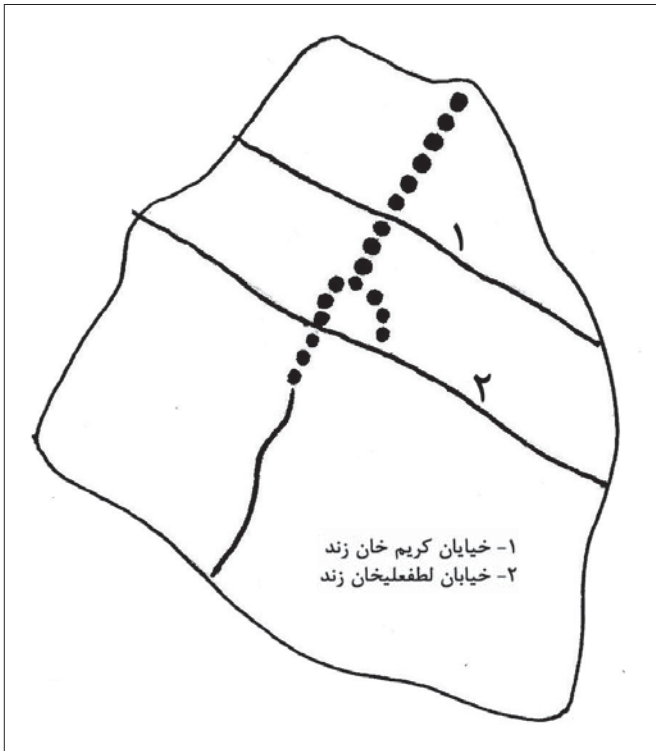
شد و بازار تنها به فضایی برای عرضه کالاهای روزمره در سطح شهر و کالاهای روستایی و عشایری تبدیل شد (ت ۱۴).

### ۳. یافته‌های پژوهش

تحلیل تکنیک‌های فضایی طراحی شهری ترانسیک در بررسی بازار شیراز و کرمان امکان تحلیل کیفی ریخت‌شناسی بازار ایرانی را از سوی متخصصین طراحی شهری با تحلیل بازارهای شیراز و کرمان در مقیاس کلان فراهم آورده است.

### ۳.۱. بازار شیراز

بازار شیراز، به مثابه هسته اصلی استخوان‌بندی اصلی شهر،



منسجم در میان بافت ارگانیک شهری (که سازنده بلوک‌های مسکونی هستند) نمود یافته است. تحلیل ریخت‌شناسی بازار شیراز نشان می‌دهد که بازار به منزله فضای اصلی و موضوع طراحی در زمینه<sup>۵۹</sup> شهر شکل گرفته است. الگوی گونه‌بندی فضاهای پر و خالی ترکیبی از الگوی زاویه‌دار و محوری است، به طوری که هسته قدیمی بازار از الگوی زاویه‌دار بازار (تا زمان صفوی) تبعیت می‌کند و رشد دوران زندیه و قاجاری بازار بر اساس شکل محوری سازمان‌دهی شده است (ت ۱۵).

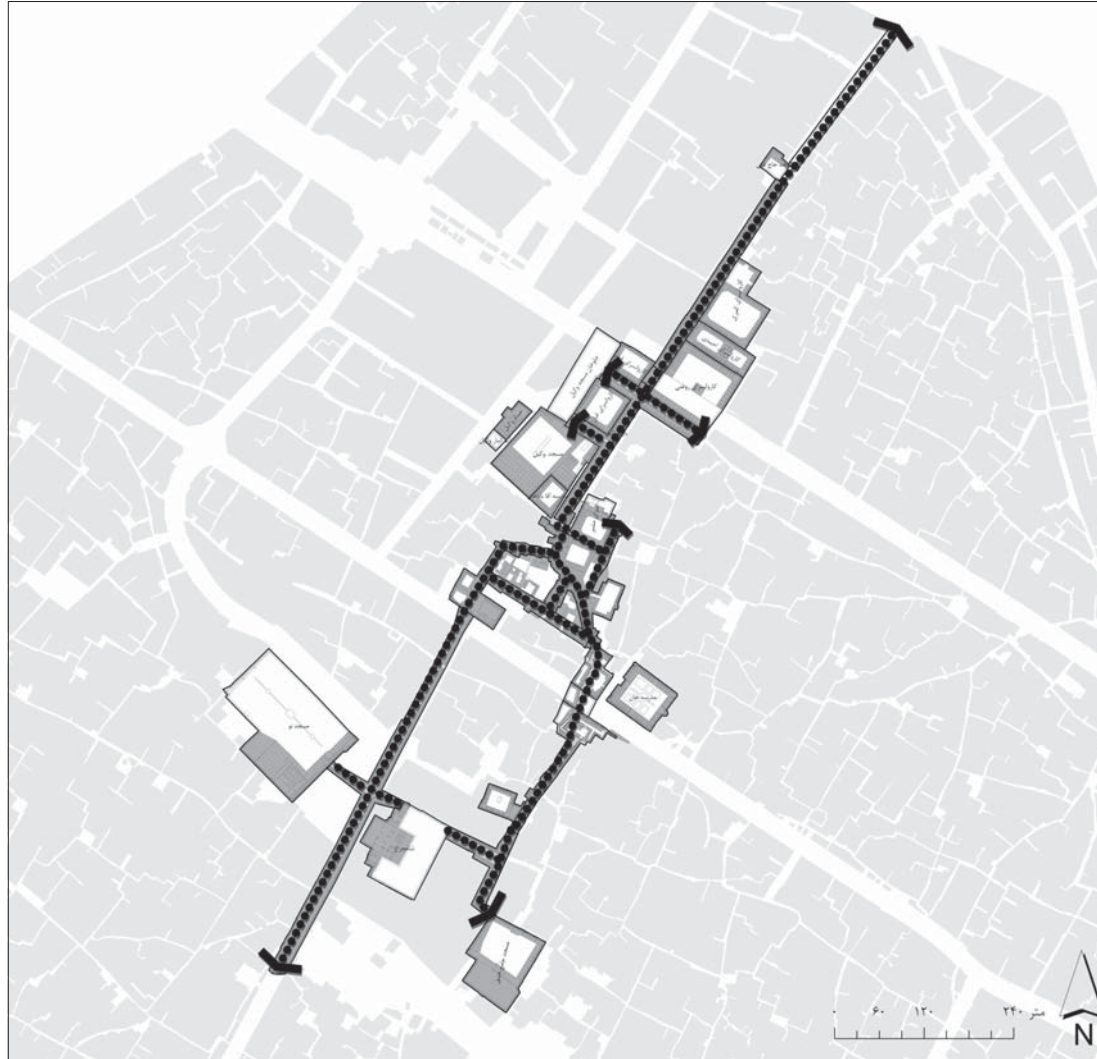


59. Grand

ت ۱۵. گونه‌شناسی فضاهای پر بازار شیراز، مأخذ: نگارندگان.

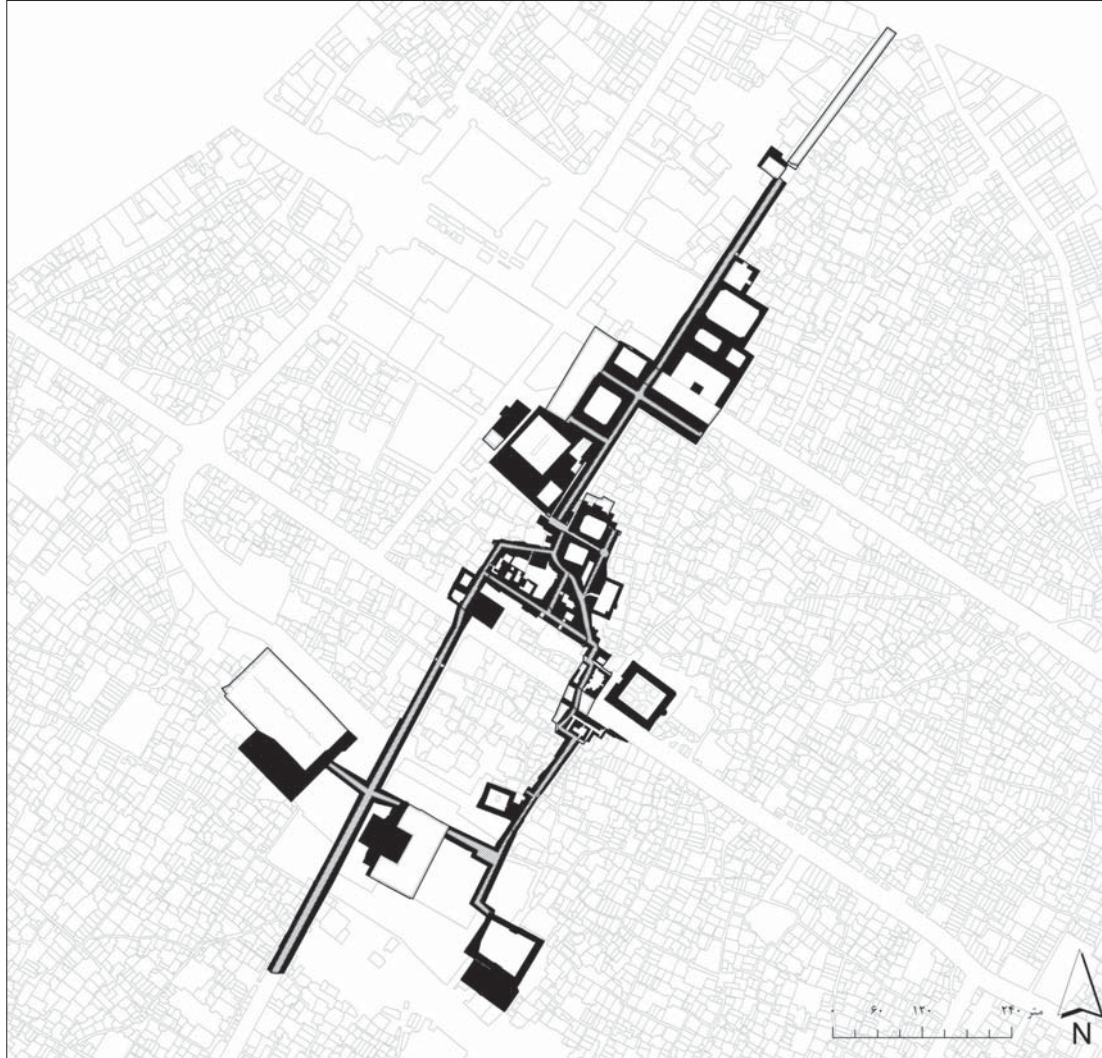
حوزه‌های ورودی امکان ایجاد ساختمان‌های تعریف‌کننده لبه (C) را برای توده بازار شیراز منتفی ساخته است. فضاهای باز موجود در بازار نیز همه همچون حیاط داخلی بناهای مساجد و مدارس و کاروان‌سراها، سراهای بازار با شکل کاملاً هندسی

۱.۱.۱.۳. گونه‌بندی فضاهای شهری پر و خالی بازار شیراز با توجه به قرارگیری در بافت شهری به مثابه بلوک خطی غالب (B) در بافت شهری شناخته می‌شود که کارکرد بنای یادمانی عمومی (A) دارد. عدم تعریف بازار شیراز توسط



ت ۱۶. سازماندهی زاویه‌دار و محوری در بازار شیراز، مأخذ: نگارندگان.

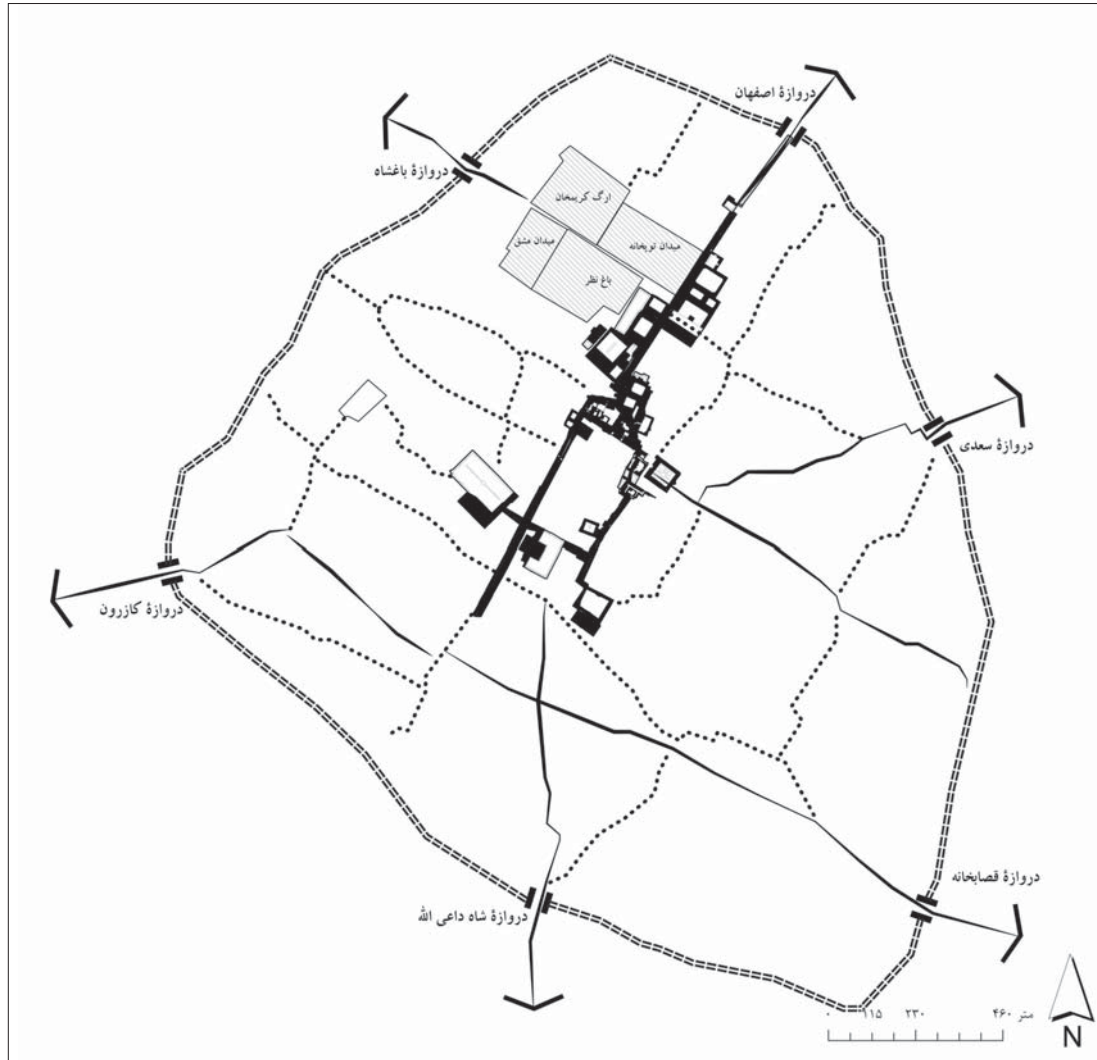
ت ۳.۱.۳. نظریه پیوند فضایی (مستطیل) همچون فضاهای داخلی بلوک‌ها (E) هستند (ت در بررسی جایگاه بازار شیراز به مثابه عامل اتصالی مراکز حکومتی و مذهبی و دروازه‌های ورودی شهر (دروازه اصفهان) از دوره‌های اولیه شکل‌گیری شهر و توسعه آن در دوره‌های



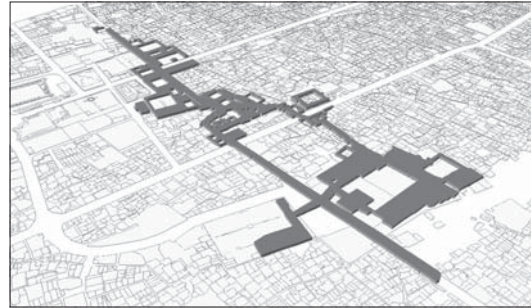
ت ۱۷. گونه‌شناسی فضاهای پر و خالی در بازار شیراز، مأخذ: نگارندگان.



سلجوقی، صفوی و زندیه، و قاجاریه به همراه امکان شکل‌گیری عناصر جدید حکومتی مانند باغ نظر، ارگ کریم‌خان، مسجد وکیل و میدان توپخانه، بازار شیراز را یک آراماتور شهری با نقش «فرم گروهی» معرفی می‌شود. سیر تاریخی رشد بازار شیراز نشان می‌دهد که تجمع تدریجی بناهای عمومی به آراماتور اصلی خطی بازار در مراحل اولیه به صورت ارگانیک در دوره‌های جدیدتر (زندیه و قاجاریه) به شکل هندسی در بافت ارگانیک بازار سازمان‌دهی شده است (ت ۱۸ و ت ۱۹).



ت ۱۸. نقش ارتباطی بازار شیراز، مأخذ: نگارندگان.



ت ۱۹ (بالا). بازار شیراز به مثابه فرم گروهی، مأخذ: نگارندگان. ت ۲۰ (پایین). بازار شیراز محمل مکان‌های تاریخی شناخته‌شده مردم، مأخذ: نگارندگان.

### ۳.۱.۳. نظریه مکان

فهم جوهره معنایی و انسانی- فرهنگی بازار شیراز که هنوز در کالبد آن جاری است، نیازمند شناخت نیازهای ساکنان، سنت‌ها، صنایع دستی، مصالح بومی، جزییات، و حتی روابط اقتصادی در بازار ایرانی است که از طریق درک تجربه زیسته شهروندان و با روش مصاحبه عمیق و مشاهدات میدانی امکان‌پذیر است. مطالعه نظریه مکان بازار شیراز را محمل انسجام کالبدی و هم‌پیوندی فضاهای مهمی مانند مسجد وکیل، مسجد عتیق، شاهچراغ، سرای مشیر، مجموعه وکیل، و حتی ارگ کریم‌خان و باغ نظر می‌داند (ت ۲۰).

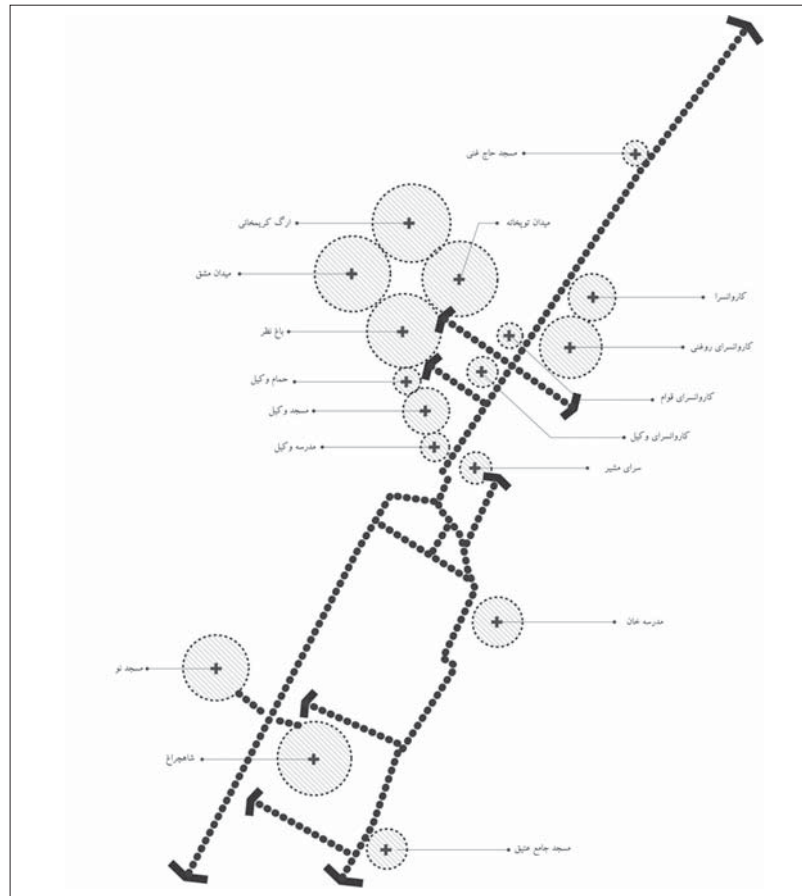
تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده با ۱۰ نفر از مشارکت‌کنندگان در بازار شیراز نشان می‌دهد که بازار شیراز معنای ویژه‌ای برای کاربران فضا دارد که ویژگی‌های معنایی منحصر به فردی را به بازار شیراز الصاق می‌کند. تم‌های موضوعی استخراج‌شده به ترتیب فراوانی و اولویت اشاره مشارکت‌کنندگان در «ت ۲۱» آمده است.

### ۳.۲. بازار کرمان

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که در بازار کرمان گسترش اصلی شرقی- غربی بین دو دروازه باغ - مسجد اهمیت بیشتری نسبت به گسترش شمالی- جنوبی آن در راستای دروازه گبری- ریگ‌آباد داشته است که میان ارگ حکومتی در میدان گنجعلی‌خان و میدان مظفری امتداد یافته است. در نتیجه بازار کرمان نقش ارتباطی فضای حکومتی و فضای مذهبی را داشته است.

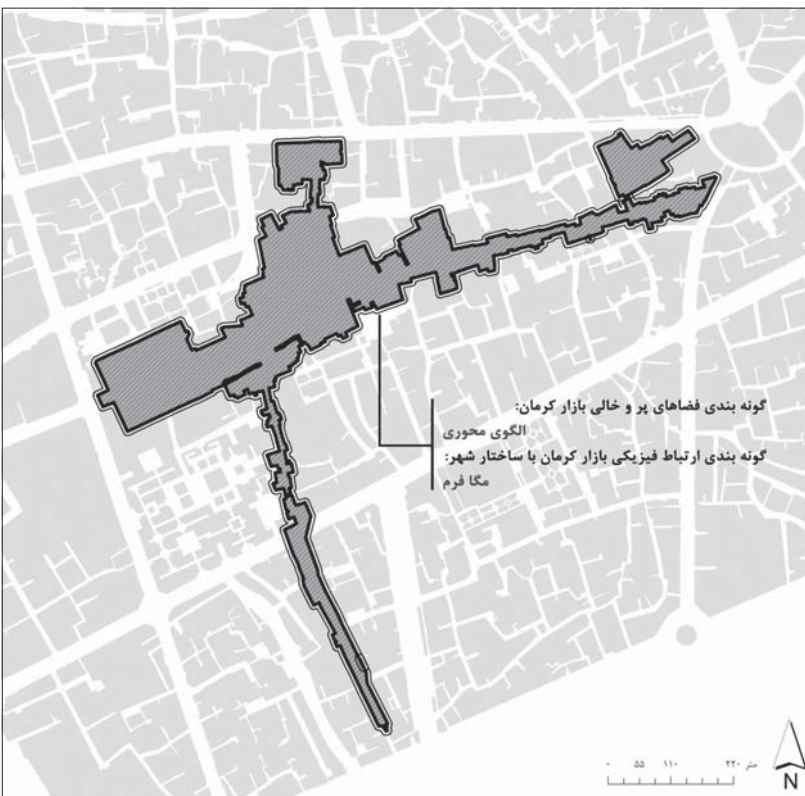
#### ۳.۲.۱. تحلیل توده- فضای بازار کرمان

گسترش اصلی بازار کرمان در راستای محور شرقی- غربی و اتصال فضای حکومتی ارگ به میدان مظفری و مسجد جامع است که در زمره گونه محوری طبقه‌بندی می‌شود. هرچند بازار



و مجموعه‌های متنوع مانند مجموعه شهری ابراهیم‌خان و حاج‌علی‌آقا در کنار بازار کرمان مؤید این مطلب است که بازار کرمان به مثابه یک «مگافر» نقش مهمی در شکل‌گیری بافت تاریخی شهر کرمان دارد، چرا که در کرمان عناصر مهم شهری شامل فضاهای شهری و بناهای عمومی به ساختار صلیبی بازار متصل شده‌اند و یک توده کالبدی عظیم در بافت ملحق و هم‌پیوند شده‌اند و ساختار کلی را در شهر ایجاد کرده‌اند که به مثابه یک ارگان کلی با هم رشد کرده‌اند و گسترش یافته‌اند (ت ۲۴ و ۲۵).

ت ۲۱ (راست). مقولات معنایی بازار شیراز، مأخذ: نگارندگان.  
ت ۲۲ (چپ). گونه‌شناسی فضاهای پر در بازار کرمان، مأخذ: نگارندگان.



کرمان در راستای شمال- جنوب نیز دارای گسترش محوری است؛ اما راسته اصلی بازار و اهمیت فضاهای مجاور در راستای شرقی- غربی شکل گرفته‌اند که بر اهمیت این محور می‌افزاید (ت ۲۲ و ۲۳).

### ۱. ۱. ۲. ۳. گونه‌بندی فضاهای شهری پر و خالی

انواع فضاهای توده تشکیل‌دهنده بازار کرمان مؤید حضور بلوک شهری غالب شامل ساختار اصلی بازار (B) و بناهای عمومی نمونمانی سازنده بازار کرمان (A) است. فضای باز موجود در بازار کرمان نیز همانند بازار شیراز به منزله فضای داخلی بلوک‌های داخلی (E) دارای هندسه راست گوشه است (ت ۲۴).

### ۲. ۲. ۳. نظریه پیوند فضایی

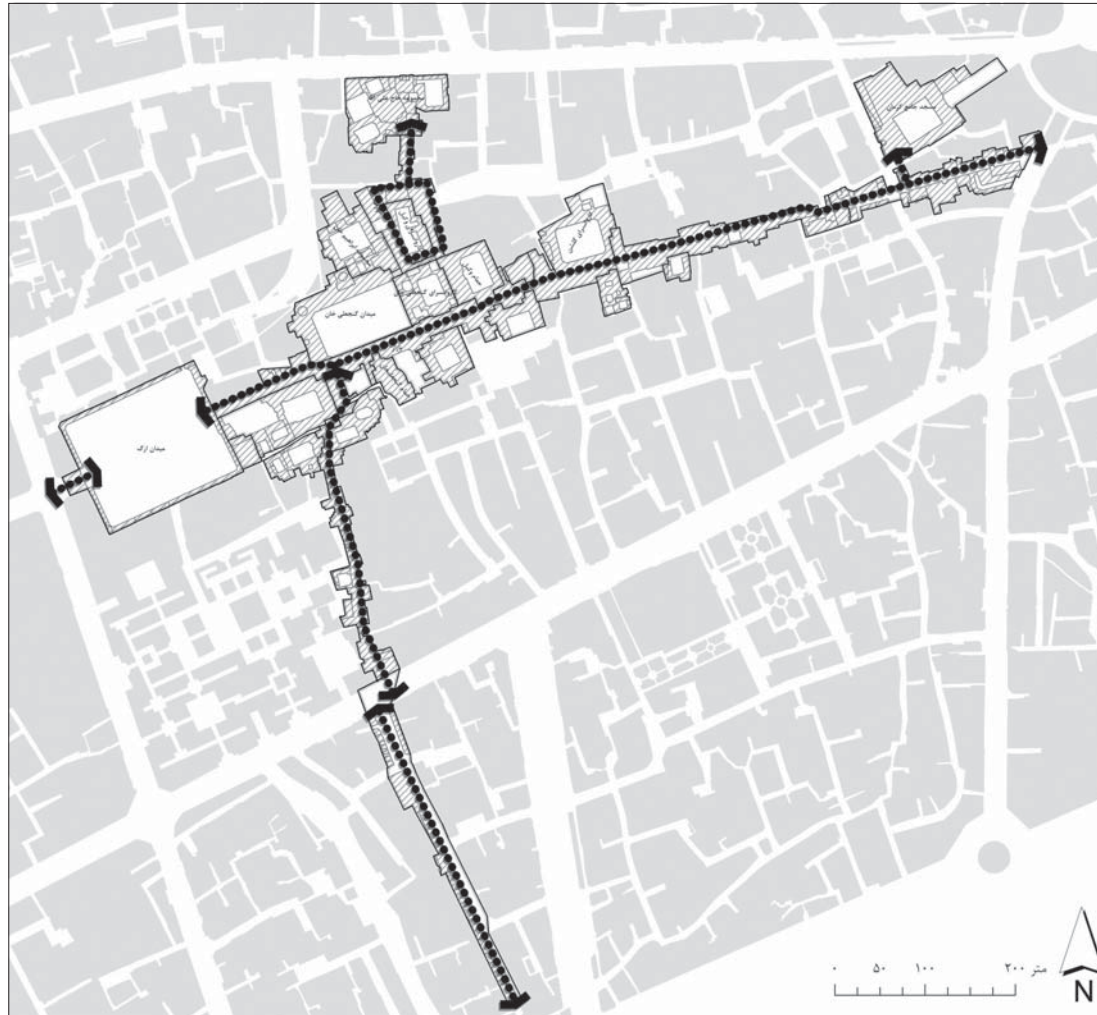
بازار کرمان به مثابه یک عنصر ارتباطی، اتصال شمالی- جنوبی دو دروازه اصلی شهر و ارتباط شرقی- غربی دو عنصر مهم با کارکرد حکومتی و مذهبی در بافت تاریخی شهر کرمان را فراهم می‌کند. نحوه قرارگیری عناصر مرتبط با بازار مانند کاروان‌سراها، سراها، و میدان‌ها مانند میدان گنجعلی‌خان

مقولات	تم‌های استخراج شده
تصورات	۱. اهمیت تاریخی بازار شیراز در بافت قدیم شیراز (بازار قلب بافت تاریخی).
کالبد	۲. اهمیت معماری بازار بخصوص بازار وکیل، اتصال بازار با شاهچراغ و تعریف پیشخوان شاهچراغ.
فعالیت	۳. بازار به مثابه پیاده‌راه گردشگری در ذهن شهروند شیرازی.
تصورات	۴. نمایش زنده پیشینه تاریخی.
فعالیت	۵. حضور گردشگران داخلی و خارجی.
فعالیت	۶. خرید و قطب اقتصادی سنتی شهر.
تصورات	۷. غنای حسی بازار.
فعالیت	۸. سرای مشیر و عرقیجات‌فروشی‌های بازار شیراز.
فعالیت	۹. فروش صنایع‌دستی عشایر.

### ۳. ۲. ۳. نظریه مکان

مورد معنای انضمامی در بازار کرمان و عناصر منظر ذهنی آنان از بازار کرمان به صورت تم‌های «ت ۲۷» استخراج شده‌اند. در «ت ۲۸» مکان‌های شناخته‌شده مجموعه بازار کرمان نشان داده شده است.

هم‌نشینی مجموعه میدان ارگ، میدان کریم‌خان و عناصر متصل به آن و مسجد جامع، بازار کرمان را به جایگاه عناصر به‌یادماندنی و تاریخی شهر تبدیل کرده است (ت ۲۶). به‌علاوه معنا و تجربه زیستی ۱۱ نفر از مشارکت‌کنندگان کرمانی در



ت ۲۳. سازمان‌دهی محوری بازار کرمان، مأخذ: نگارندگان.

و چه در طراحی شهرهای جدید الهام‌بخش طراحان شهری و برنامه‌ریزان شهری باشد.

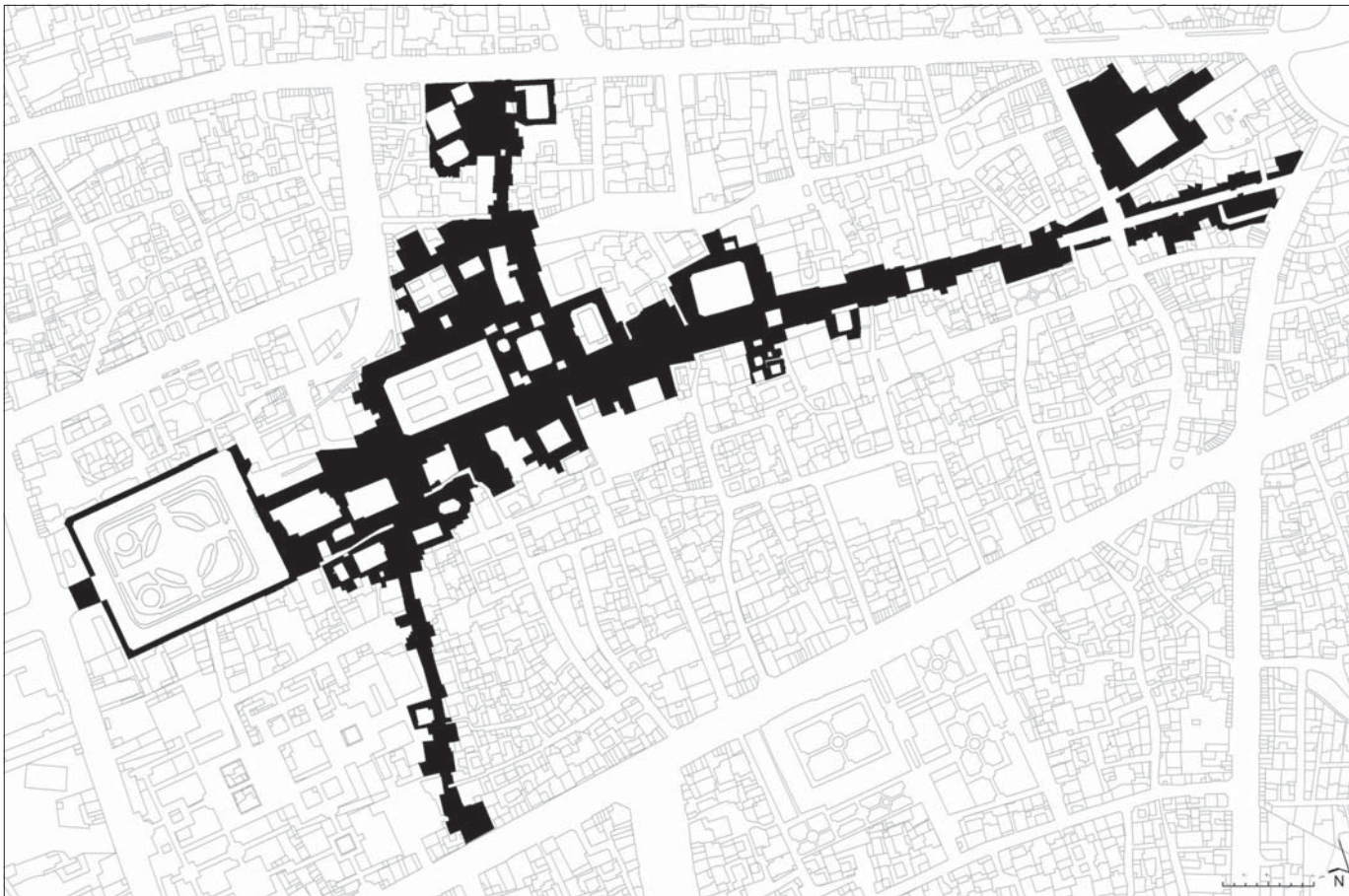
#### ۴.۱. مطالعه توده- فضا در بازار ایرانی

این پژوهش نشان می‌دهد که هرچند بازار شیراز و کرمان در زمره بازارهای طراحی‌شده شهرهای ایرانی بررسی شده‌اند؛ اما هر کدام دارای تنوع شکلی هستند، که این تنوع شکلی در مورد

ت ۳۴. گونه‌شناسی فضاهای پر و خالی در بازار کرمان، مأخذ: نگارندگان.

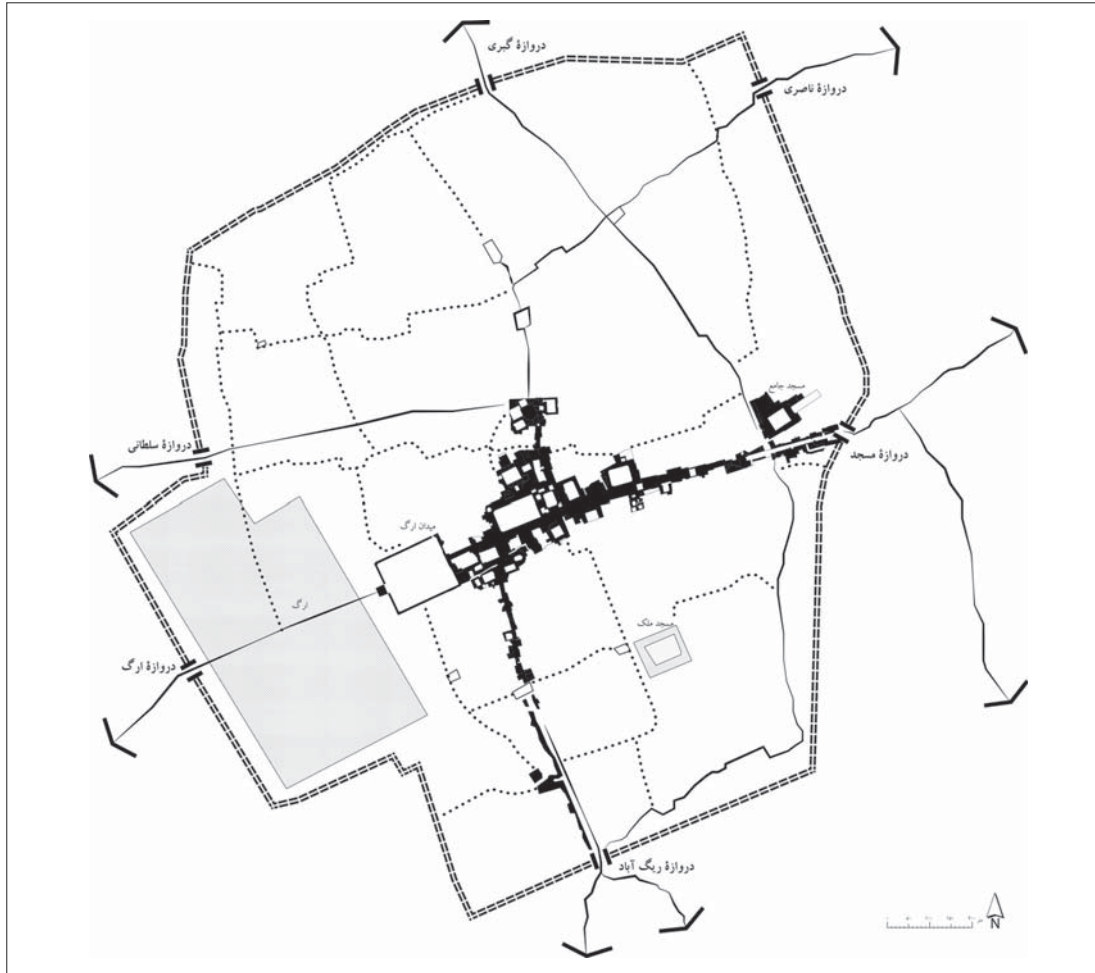
#### ۴. تحلیل و جمع‌بندی

در این پژوهش سعی شده است، با اتکا به «نظریه‌های فضایی شهر»، امکان درک نظام ریخت‌شناسی فضای بازار ایرانی با عنوان استخوان‌بندی شهرهای تاریخی ایران در طراحی استخراج شود، تا بر اساس قانونمند کردن این مفاهیم امکان بازآفرینی کالبدی شهرهای تاریخی از طریق عرضه راهکار در ارتقای سطح کیفی و بازآفرینی بازار ایرانی چه در گسترش بازار



بازارهای ارگانیک در شهرهای ایرانی نیز قابل مشاهده است.<sup>۶۰</sup> مطالعه توده و فضای بازار ایرانی نشان می‌دهد که شکل‌گیری بازارها بر اساس فرم هندسی (به صورت ارگانیک و طراحی‌نشده) در راستای محور خطی و گونه‌بندی محوری-زاویه‌ای در استخوان‌بندی شهرهای ایرانی صورت گرفته است. چنانچه بازار یک بلوک شهری درشت‌دانه خطی در بافت ریزدانه محلات نظم قوی را در بافت ارگانیک (ظاهراً بی‌نظم) شهرهای سنتی ایران ایجاد کرده است، این موضوع با توجه به سرپوشیده بودن فضاهای بازار اهمیت ویژه‌ای در شکل‌گیری یک بلوک درشت‌دانه شهری دارد.

در بررسی گونه‌شناسی فضای پر و خالی بازار ایرانی به مثابه یک بلوک درشت‌دانه و خطی در استخوان‌بندی شهر



۶۰. نک: عباسی و دیگران، «تدوین اصول و معیارهای ادراک فضایی در معماری بازارهای سنتی».

ت ۲۵. نقش ارتباطی بازار کرمان، مأخذ: نگارندگان.

ت ۲۶ (بالا). بازار کرمان به مثابه مگافرم، مأخذ: نگارندگان.  
ت ۲۷ (پایین). مقولات معنایی بازار کرمان، مأخذ: نگارندگان.

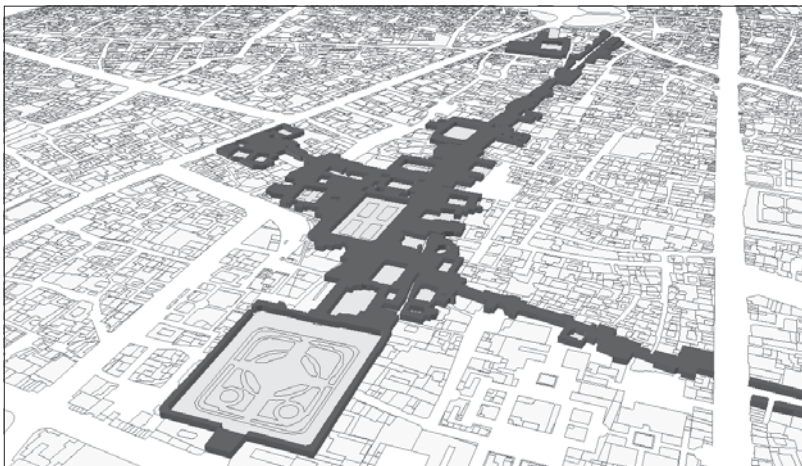
یافته است. تفاوت اصلی بازار کرمان در افزایش فضای توده ساختمان بازار است که در بافت محلات مسکونی شیراز ریشه دوانده است. به علاوه در بازار کرمان، راسته اصلی بازار، راسته‌های فرعی، دالان، چهارسوها، میدان‌های موجود در ساختار بازار (میدان ارگ گنجعلی‌خان کرمان)، جلوخان (میدان ارگ در کرمان)، حجره‌ها، کاروان‌سراها، و ترکیب‌های مختلف از بناهای مساجد و مدارس موجود در ساختار کالبدی بازار همراه با فضاهای خدماتی مانند حمام‌ها که هر کدام الگوی فضایی و

ایرانی عمدتاً وظیفه اتصال دروازه‌های ورودی به شهر قدیم دارد و در مقیاس کلان یک بلوک شهری به مثابه فضای پر طراحی شده است که شامل ساختمان‌های عمومی‌تری مانند میدان‌های شهری، مسجد جامع، و سایر عناصر کارکردی بازار مانند کاروان‌سراها، تیمچه‌ها، مدارس، و فضاهای خدماتی مانند حمام‌ها است که یا بعداً به ساختار بازار اضافه شده‌اند یا همراه بازار طراحی شده‌اند.

گونه‌شناسی فضاهای باز در بازار ایرانی مهم‌ترین ویژگی ریخت‌شناسی بازار ایرانی به منزله یک بلوک بسته و سرپوشیده است که تنها فضاهای باز ایجادشده آن، متعلق به حیاط مساجد، مدارس، کاروان‌سراها، سراها، و... است که همگی با الگوی مرسوم حیاط مرکزی معماری ایرانی طراحی شده‌اند و با نظم هندسی چهارگوشه در انتظام‌بخشی حیاط درونی، فضای باز را در بازار ایرانی را به مثابه یک فضای هندسی کاملاً طراحی‌شده تداعی می‌کنند.

به علاوه تحلیل توده-فضا در مورد بازار ایرانی به نوعی گونه‌شناختی و ریخت‌شناسی فضاهای پر و خالی منجر می‌شود که حاکی از وجود سیستمی نظم‌دهنده به بازار همچون یک کل منسجم در مقیاس کلان بافت‌های ارگانیک شهر است که تولید نظم فضایی و تشدید پیوستگی کالبدی می‌کند.<sup>۶۱</sup> نظم فضایی بازار ایرانی بر اثر سادگی شکل و استفاده از سیستم منظم و پیوسته، که عمدتاً حاصل ارتباط دروازه‌های شهری به هم یا دروازه به عناصر مهم شهری (حکومتی، مذهبی، فضاهای شهری) یا اتصال میان عناصر مهم کارکردی شهری (حکومتی، مذهبی) بوده است، نظم فضایی خاصی در شهر ایرانی مَدْرک می‌شود که به تداعی وحدت شکلی می‌انجامد.

تحلیل توده-فضای بازار شیراز و کرمان نشان می‌دهد که در بازار شیراز ساختار توده بازار یک «مگابلوک» شهری است و بازار کرمان نیز نه در یک زمینه خالی؛ بلکه در فضای توده متشکل از بلوک‌های ریزدانه سازنده محلات شهری استقرار



مقولات	تم‌های استخراج‌شده
تصورات	۱. بازار کرمان قدمت تاریخی شهر.
فعالیت	۲. نقش اقتصادی بازار کرمان، محل خرید و زندگی روزمره مردم.
کالبد	۳. اهمیت عناصر تاریخی شهر کرمان در بازار کرمان مانند مجموعه گنجعلی‌خان (تخریب بافت تاریخی شهر به دلیل توسعه نادرست شهر).
کالبد	۴. تعریف بازار با فضاهای مهم شهری مانند میدان گنجعلی‌خان و ارگ.
فعالیت	۵. حضور گردشگران.
کالبد	۶. معماری خاص بازار.
تصورات	۷. اتصال بازار با عناصر معنایی-مذهبی شهر مانند قدمگاه.
فعالیت	۸. بازار مکان محصولات خاص هنر کرمان مانند پته و مس کرمان.





ارزش‌ها هستند که نشان از تعلق خاطر افراد به این عنصر کالبدی دارند. به‌علاوه بازار، با نقش اجتماعی و اقتصادی، هنوز زنده‌ترین عنصر تاریخی کالبدی جاری در شهر است که بستری از رفتارها و فعالیت اجتماعی و فرهنگی را در خود مأوا می‌دهد. به طوری که در حال حاضر بسیاری از مراسم و مناسک ملی و مذهبی در بازار کرمان و شیراز انجام می‌شوند. همچنین، بازار با وجود ارزش‌های کارکردی، زمینه‌ای (تاریخی، فرهنگی، و معماری)، یکی از پررونق‌ترین مکان‌های جذب گردشگر شهری (داخلی- خارجی) است که خود می‌تواند یکی از منابع اقتصادی در نوشته برای بازآفرینی فرهنگی شهرهای تاریخی باشد.

تحلیل ریخت‌شناسی بازار ایرانی در سطح کلان<sup>۶۷</sup>، در بستر شناخت و تحلیل ریخت‌شناسی شهرهای تاریخی، نه‌تنها امکان دستیابی به اصول و راهکارهایی برای طراحی در شهرسازی معاصر را فراهم می‌آورد؛ بلکه زمینه مناسب‌تری را در فرایند بازآفرینی شهری موجب می‌شود. شناسایی اصول سازمان‌دهی در بعد کالبدی و مفاهیم اقتصادی- اجتماعی و حس مکان در بعد معنا، امکان تعامل مؤثرتری را برای طراحان و برنامه‌ریزان شهری در مواجهه با بازار به مثابه یک ارگانیزم همچنان زنده در بافت‌های تاریخی شهرهای ایران فراهم می‌آورد. شناخت دقیق‌تر و تفصیلی‌تر این ارگان زنده امکان درک معنایی بیشتری را در تصمیمات اجتناب‌ناپذیر گسترش شهرسازی معاصر در بافت‌های تاریخی موجب می‌شود تا هویت مکانی بازار و نقش آن در بازآفرینی شهری تقویت شود.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، علاوه بر تحلیل ریخت‌شناسانه بازار در مقیاس کلان در شهر تاریخی، به ابعاد زندگی‌پذیری و سرزندگی فضای شهری بازار در مقیاس میانی و خرد پرداخته شود. این مهم از طریق شناخت دقیق‌تر ابعاد کارکردی، معنایی، و کالبدی بازار به صورت توأمان امکان‌پذیر است تا امکان مداخله مؤثرتر طراحان شهری و معماران را در برخورد با مقوله بازار در طرح‌های شهری میسر کند.

بازارهای طراحی‌شده در یک بستر زمانی عمدتاً به صورت «مگافرم» و بازارهایی، که در مراحل مختلف شکل گرفته‌اند، به صورت «فرم گروهی»، حاصل از تجمع تدریجی راسته‌ها و عناصر شکل‌دهنده بازار، در انتظام‌بخشی شهر نقش داشته‌اند.

### ۳.۴. مفهوم مکان در بازار ایرانی

مطالعه حاضر نشان می‌دهد که بازار ایرانی، در بعد معنا، جایگاه تصورات، کالبد، و فعالیت است که بهترین انطباق را در بستر اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی- عملکردی و نیازهای انسان در کالبد و معماری یافته است.<sup>۶۸</sup> بازار نقش معبری را در شهر سنتی داشته که، با توزیع فضایی فعالیت‌های مختلف در ترکیبی منسجم و متراکم، بناهایی عمومی مانند مسجد، مدرسه، تکیه، حمام، و حتی مدارس و بناهای حکومتی (ارگ کریم‌خان و ارگ حکومتی کرمان) را در درون خود در ترکیبی وحدت‌بخش، بدون تضاد و تعارض، مأوا داده است. این ساختار فضایی هم مأوا می‌سازد و هم نهاد اجتماعی- فرهنگی- مذهبی و حکومتی شهر است و به مثابه یکی از مهم‌ترین فضای شهری امکان برگزاری مناسبت‌ها و زمینه‌های مشارکت را در جریان‌های مردمی و سیاسی را فراهم آورده است.<sup>۶۹</sup> هم اینکه وجود کیفیت‌های فضایی و کاراکتر معماری بومی یا ارزش‌های زیباشناختی در شکل‌گیری کالبد و الصاق معنا به بازار، امکان قرائت بازار به منزله نماد شهری، را در شهر ایرانی فراهم آورده است، چنانچه نمادهای هر بازار از شهری با شهر دیگر متفاوت است.

امروزه بازار در شهر ایرانی عنصری زنده و معرف تاریخ- فرهنگ برآمده از معنای خاصی است که با اندوخته ذهنی انسان ایرانی بیشترین قرابت را دارد و مهم‌ترین عنصر کالبدی با ارزش تاریخی برای شهروند ایرانی و گردشگران شناخته می‌شود. این تطابق عینیت فضایی با ارزش‌های تاریخی و فرهنگی به نوعی به احساس این‌همانی و هویت مکانی منجر می‌شود.<sup>۷۰</sup> حس مکان و خاطرات جمعی همه برآمده از این

۶۷ نک: عباسی و دیگران، همان.

۶۸ نک: همان.

۶۹ همان، ص ۳۰۷.

۷۰ چنگیزی و احمدیان، همان، ص ۶۰۴.

## منابع و مأخذ

- افسر، کرامت‌الله. *تاریخ بافت قدیمی شیراز*. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳.
- ایراندوست، کیومرث و آرمان بهمنی اورمانی. «تحولات کالبدی بازار سنتی در شهرهای ایران (مطالعه موردی: بازار شهر کرمانشاه)»، در *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ش ۵ (پاییز ۱۳۹۰)، ص ۵-۱۶.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم. *گنجعلی‌خان*. تهران: نشر علم، ۱۳۶۷.
- بیگلری، اسفندیار. «بازارهای ایران»، در *هنر و مردم*، ش ۱۶۲ (فروردین ۱۳۵۵)، ص ۶۱-۶۲.
- پوراحمد، احمد. *جغرافیا و ساخت شهر کرمان*. تهران: دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۸.
- پورجعفر، محمدرضا و علی پورجعفر. «نقش سرمایه اجتماعی در وضعیت اقتصادی بازارهای سنتی در ایران»، در *اولین همایش اقتصاد شهری در ایران*، مشهد، ۲ و ۳ آذر ۱۳۹۰.
- توسلی، محمود. *اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران*، ج ۱، تهران: انتشارات رودکی، ۱۳۶۹.
- جهاد دانشگاهی. *بازار ایرانی*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۲.
- چنگیزی، نگار و رضا احمدیان. «بررسی شاخص‌های هویت فضای شهری در بافت تاریخی، نمون‌لله موردی: بازار کرمان»، در *فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ش ۱۱ (بهار ۱۳۹۲)، ص ۵۳-۶۴.
- حمیدی، ملیحه و رضا سیروس صبری و محسن حبیبی و جواد سلیمی. *استخوان‌بندی شهر تهران*. سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، ۱۳۷۶.
- سلطان‌زاده، حسین. «برخی از خصوصیات شهرسازی و معماری بازارهای ایران»، در *مجموعه مقالات سمینار بازار در فرهنگ و تمدن جهان اسلام*. تبریز: انتشارات دانشگاه هنر تبریز، ۱۳۷۲.
- \_\_\_\_\_. *بازارهای ایران*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۶.
- شفقی، سیروس. «نقش بازار در ساختار شهر اسلامی»، در *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، ش ۵۵ و ۵۶ (پاییز و زمستان ۱۳۷۸).
- عباسی، زهرا و فرح حبیب و سیدمصطفی مختاباد امرئی. «تدوین اصول و معیارهای ادراک فضایی در معماری بازارهای سنتی»، در *مدیریت شهری*، ش ۳۹ (تابستان ۱۳۹۴)، ص ۲۹۱-۳۱۶.
- کیانی، محمدیوسف. *نظری اجمالی به شهرسازی و شهرنشینی در ایران*. تهران: هوایمایی جمهوری اسلامی ایران (هما)، ۱۳۶۵.
- نصرت‌پور، دریا و حسین سلطان‌زاده و سیده‌های قدوسی فر. «مقایسه تطبیقی بازارهای ایرانی و بازارهای کشورهای اسلامی، نمونه موردی: بازار یزد در ایران و بازار استانبول در ترکیه»، در *مدیریت شهری*، ش ۴۴ (پاییز ۱۳۹۵)، ص ۱۲۵-۱۳۸.
- ورجوانند، پرویز. *دانشنامه جهان اسلام*. تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۲.

Erickson, Bill. "The Armature and Fabric as a Model for Understanding Spatial Organization", in M. Roberts and C. Greed, *Approaching Urban Design: the Design Procees*, Pearson Education, 2001.

Gauthier, Pierre & Jason Gilliland. "Mapping Urban Morphology: A Classification Scheme for Interpreting Contributions to the Study of Urban Form", in *Urban Morphology*, Vol.10, No.1 (2006), pp. 41-50.

Hebbert, Michael. "Figure-ground: History and Practice of a Planning Technique", in *Town Planning Review*, Vol 87, issue 6 (2016), pp.705-728.

Arjomand Kermani, Azadeh & Eric Luiten. "Preservation and Transformation of Historic Urban. Cores in Iran, the Case of Kerman", in *WSEAS Transactions on Environment*

*and Development*, Vol 6, Issue 1 (January 2010), ISSN: 1790-5079.

Maki, Fumihiko. *Investigations in Collective Form*, No 2 Special Publication, St. Louis: Washington University, The school of architecture, 1984.

Moosavi, Mir Saeed. "Bazaar and its Role in the Development of Iranian Traditional Cities", in *Conference Proceedings 2005 IRCICA International Conference of Islamic Archaeology*, pp. 40-41.

Sahin, Mustafa Rasit. *Analysis of Urban Morphology in Squatter Transformation Areas*, M.S Thesis, Middle East Technical University, 2014.

Trancik, Roger. *Finding Lost Space*, New York: Van Nostrand Reinhold, 1986.